

و اداره پلیس و ژاندارمه می دهد !!! این هم خیل معلوم و بدیهی است ، زیرا ملت هرچه نادان و جاهل باشد بیشتر رام و مطیع خواهد بود و وسایل انجام مقاصد دهشت آمیز بهتر نتیجه میدهد . اما « بیش از این نمیتوانیم ساکت باشیم ! » اینک جواب ملت روس بمظالم بی نهایت حکومت ارنجاعی میباشد ، این جمله حمله آمیز ثابت میدارد که بیانه صبر و شکیب ملت روسیه چگونه لبریز گشته و قوای انقلابجویه اش تا چه اندازه دوزیر خاکتر خانه آورده است

تاریخ با ثابت مینماید که ارتجاع هماره قرن انقلاب است و يك ظرف آهنین را همینکه از بیرونش فشار آمد بی اختیار در هم می شکنند بهلاوه ملت روس پیش ازین تاب رخ و شکنجه ندارد ، صدای اعتراض برآورده و با اقدامات ناپس کارانه خویش ستمگاران را اعلام و اخطار مینماید که نه ملت را میتوان فنا بنداشت ، نه آرادای مضحک و نابود می شود و به استبداد جاودان خواهد ماند . حکومت انگلیس و فرانسه در سایه اتحاد شومی که نموده اند میتوانند قوای ارنجاعیه روسیه را ترویت کنند و مانع سقوط ظلم شوند

فرانسه وسیله بول و سرمایه وانگلیس هم باستانت قوای خودش هماره حکومت روسی را نه از نهایت ستمگاری و مظالم پروریش ژاندارم بین المللی خوانده میشود در بد اختیار خویش داشته باشند و این دو حکومت نیز تصور می کنند که بدین وسیله از بحرانیهای اجتماعی و تبدیلات بین المللی میتواند خلاصی یابند . چنین میخواهند که روسیه به شغل و وظیفه ژاندارمی و تقویت ارنجاع را انجام دهد ، اما همین کار روسیه را نیز ایام آخریش در رسیده . فرانسه وانگلستان اگر هم کمال جد و جهد را در بستن چشمان ملل بکار برند و خود را از جانب يك قهرمان بین المللی آزادی و حریت نوع بشر جلو دهند ، ولی حقیقت اینست که استبداد روسیه تا امروز پای مقاومت فشرده و در سایه تقویت های این دو دولت دوست تاب مقاومت آورده ، برای این دو حکومت يك آلت ارنجاعی لازم است که مکذوبات ستم پرورانه ایشان را در صفحه جهان ترویج دهد و اینک حکومت روس را برای این کار کاشته و مجانا آلت اجرای

مقاصد خویش ساخته اند آیا همین نمیکند جهت ترض عمومی اروپا در هنگام انقلاب ۱۹۰۵ روسیه نبود ؟ این تغییر و تبدیل تاریخی نیز هماره منقلب میشود وضع و احوال این قدر حکسب شدت و وخامت نموده است که اولین نظر نمودار میشود ، روزنامهها را نمی گذارند سخنی از این موضوع بپان آورند چنانچه روزنامه (رج) را که در جمله نوری به حقیقت این ناپس ها داده است باندازه ۵۰۰ منات جریمه نموده اند

ولی مکتوبات خصوصی يك انقلاب بزرگ و عطیسی را پیش گوئی می کنند که در آینده نزدیکی بطهور خواهد رسید ، دوره ناپسها شروع شده است قوای انقلابیه سب يك منات واستحکامی نموده و حاضر کار شده اند و روزهای نخست سایر انقلابات ملیه را متذکر ما می سازد ، در حقیقت صدای شورش و بلوا ابدأ خاموش نشده و تضییقات حکومت نیز در تسکین آن آمل هنوز موفقیت پیدا کرده ، احصایه سنوات اخیر می نماید که مظالم حکومت در واقع موجب تزیید طغیان عمومی شده است و اقدامات دولت نتوانسته است کیناً خیالات انقلاب را معدوم نماید . معلومات صحیحی می نماید که هرچه بر قوای ارنجاع افزوده آمده است در مقابل نیز احتمالات ترووریت مسا متراید گردیده شماره تروور ها مثلاً از این قرار بوده است

- در سال ۱۹۰۵ - ۶۳۱ وقعه
- » ۱۹۰۷ - ۹۱۸۱ »
- » ۱۹۰۸ - ۷۷۳۲ »

عده نخبینی قربانی شدهگان تروور در سال ۱۹۰۷ روزانه چهارده نفر بوده که هفت تن شان مرده و هفت باقی زخمین شده اند ، ولی در ۱۹۰۸ شماره کشتگان و مجروحین روزانه از بیست و يك نیز گذشته است ،

ارقام و اخبارات ایام اخیره نیز خیلی فصیح و بلیغ هستند ، ملت روس بفرض آمده و « پیش ازین نمیتواند ساکت نشیند »

انقلاب در کار ظهور و بروز است ، وای و ستمگاران ! هرچه زودتر پیش آید بهتر زیرا سقوط استبداد روسیه ارنجاع عالمگیر اروپا را نیز تا

می دهد و مظنریت انقلاب روسیه غلبه انقلاب بین المللی  
را میرساند. فتح دموکراتی روسیه مخصوصاً برای ما  
خطی مدد کار خواهد بود. چه بیشتر مصائب و  
بلاهای ما از سرحدات شمالی است. همان طور که  
تا استبداد روس ساقط نشود. رای خود امالی  
روسیه را. محبت و فلاحی منصور نیست. همین طور  
تا بنای ظلم حکومت روس برقرار است رای ایران  
هم نهایت مشکل است که سلامت کشتی خود را از  
طوفان بلا خدای دهد. آزادی ملت روس حریت  
جهان را تأمین می نماید.

سلام به پیش آهنگان انقلاب روسیه! دوره  
رقمائی روسی نژاد آزادی پرست و تجدید پرور ما  
( رباعی )

( ای باد صبا بخصم بدخواه بگوی )

( کز مکر و طبع پای بکش دست بشوی )

( چون با نکشی زیارت آخر نکنیم )

( گر ملک جهان ز خوروان گردد جوی )

◀ نقل از روزنامه جنوب منطقه طهران ▶

طرح قانون آقایی حاجی آقا راجع بخلیج  
فارس. چون ر هیچ يك از دانایان مملکت  
که از خصوصیات خرابی و پلتنیکی جنوب  
ایران عروما و خلیج فارس خصوصاً مطلعند  
اهمیت این قطعه مملکت پوشیده نیست و همه میدانند  
که خلیج عجم اولین نقطه با اهمیت ایران و لایق  
ترین مرکز توجه ایرانیان است. و نیز پوشیده  
نیست که بواسطه تسامح و احمال اولیای امور دوره  
سابقه تا چه اندازه خسارات مادی و منوی و  
شکستهای سیاسی و پلتنیکی بر دولت و ملت در این  
قطعه با اهمیت وارد آمد. خصوصاً در این اواخر که  
یکلی رشته انتظام یکباره از هم کسبخته و بواسطه  
بمد از مرکز اهالی بنا در دچار همه گونه  
خسارت و فلاکت بوده و هستند. و همسایه مجاور  
هم هر گونه تصرفات و مداخلات کرده و میکنند و  
احدی نیست که جلو گیری نماید. چنانچه تلکراف  
اطلم تجار محترم بوشهر شمه از این مطالب را  
اظهار و اصلاحش را از امنای محترم ملت و  
اولیای مقتدر دولت خواستگار شده اند. و بدیهی  
است باین دست نیکی فوق العاده که امروز تمام  
چرخهای اجارات را از کار انداخته بدون يك عمل

مخصوص برای مصارف و مخارج اصلاحات ابتدائی  
هیچ گونه امید اقمائی و اقمائی نیست

لذا این نده این طرح را پیشنهاد خاطر وکلای  
محترم مینماید و گمان میکند که اگر اقدام در  
اجرائش شود سالیانه اقلاً دو کروور نیم تاسه  
کروور تومان با دارة مالیه دولت مدد کرده و  
اگر همان عایدات را صرف اصلاحات ابتدائی نمایند  
کافی بنظر مینماید. مقدمتاً این مطلب را باید خاطر  
نشان کرد در هر مملکت که دارای شهری  
بزرگ یا خلیجی عمده یا دویانی باشد که در آن  
شهر یا خلیج مراکب کوچک از بلم و قایق و  
بفله و کرجی و غیره بسیار باشد لابد ضریبه و  
مالیهاتی بدولت برداشته و با سایر ساکنین مملکت  
در دادن حقوق دولتی شرکت مینمایند جز  
قایتجیان بنادر ایران که همواره منافع دریا و  
شهر را برده دیناری بجزایه دولت از آنها نمیرسد  
اقلاً بیست هزار قایق و بلم و کرجی دو  
بنادر مختلفه خلیج فارس و بحر قزوین و هر  
کارون درآمد شد است. اگر روزی دو قران از  
هر يك از آنها روی هم رفته باید دولت شود  
تقریباً سالیانه دو کروور و نیم میشود که عرض  
شده. و این را هم باید متذکر بود که وضع این  
مالیات بطور غیر مستقیم باید باشد یعنی هر دفعه از  
حمل و بار برداری آنها باید چیزی گرفت از  
یکتومان الی دو قران و نیم با اندازه بزرگی و  
کوچکی مرکب. چنانچه در بلاد عثمانی متداول  
است. طرح مزبور دارای هشت ماده ذیل است  
(۱) هیئتی در وزارت مالیه بنام شعبه واردات  
بحری تشکیل خواهد شد

(۲) شعبه این هیئت در تمام بنادر جزء و  
کل بحر خزر و خلیج فارس و رود کارون دائر  
خواهد بود

(۳) این شعبه دارای ورقه های مخصوصی  
خواهند بود که از مرکز فرستاده میشود که  
عبارت از ورقه اجاره مرور است

(۴) شعبه دایره در بنادر تمام مراکب حال را  
از ماهی گیر و غیره بیه قسم منقسم مینماید. کوچک  
و بزرگ و وسط

(۵) در هر مرتبه که این مراکب حرکت

نموده و حل مال التجاره یا مسافر مینمایند هر  
 مرکب بزرگ يك تومان و وسط پنج قران و  
 کوچک دو قران و نیم با مور شعبه بر داخه و  
 ورقه جواز خود را که دارای نمبری بهمان قیمت داده  
 اوست گرفته در هنگام لزوم ارائه می نماید  
 (۶) هر مرکب بزرگ که دارای دو شراع و سه  
 شراع یا زیاد تر است از تقسیم ماده خارج و از  
 ده تومان الی سی تومان بدولت خواهند پرداخت  
 (۷) طول راه های عبور این ستان به  
 قطه منقسم خواهد شد، در قطه اول ورقه جواز  
 گرفته می شود، در قطه نای آن ورقه را بامور  
 متوقف نشان داده علامت رویت گذارده می شود  
 و در قطه ناک ورقه را بامور نشان داده  
 مسافر و بار خود را بساحل پیاده می نماید و  
 این قطه اخیره بندرست

(۸) مهلهائی که در طول عبور سفینه ساحلی بست  
 که محتاج به مستحفظ باشم مثل پوشهر که از دریا به  
 بندر يك سره می آید در خود بندر دو قطه معین  
 میشود که یکنقطه تمام سفن را در نظر گرفته و  
 بآنها ورقه میدهد، و دیگری ورقه گرفته نشان  
 کرده باو رد می نماید و اجازه خروج مال التجاره  
 و مسافر را میدهد، هر سفینه و بلی که ازین  
 احکام تخلف ورزد ضبط و صاحبش محکوم  
 به مجازات از ده تومان الی پنجاه تومان می شود، این  
 قانون بضاعه پنج روز بعد از اعلان در هر  
 بندری بموقع اجرا گذاشته خواهد شد، مصارف  
 این عایدات فقط اصلاحات ابتدائی بنادر است بجز  
 مصرف دیگر نخواهد رسید

الاحقر حاجی آقای شیرازی صحیح است  
 الاحقر شیخ علی شیرازی - منتد التجاره، اصدقه  
 گردستانی - علی محمد وزیر زاده، منتصر السلطان -  
 حاجی میرزا رضا خان - ابوالقاسم میرزا -  
 ابراهیم - اسدالله میرزا - خلیل، فهیم الملك -  
 ابراهیم - محمد ماشم قاجار - سید جلیل - احمد  
 قزوینی - حسن علی

«عربستان»

زمانیکه جناب (نظام السلطنه) فرمان فرمایی  
 حاکم فارس حکمران عربستان بودند تاسیس مدرسه

در (شوشتر) فرموده در اینموقع هر که از طریق  
 عربستان به فارس عزیمت مینمودند درخصوص دو باب  
 مدارس که آقای سردار ارفع یکی در محرمه به اسم  
 خودشان و دیگری در ناصری به نام پسر ارشدشان  
 به اسم (خزعلیه) و (جاسیه) مفتوح و موسوم  
 فرموده اند، از جانب آقای نظام السلطنه کمال تشویق  
 و تملیظ ابدال شد، از جمله این است که درباره  
 هر کدام مبلنی اعانه نقدی و انعام مرحمت کردند و  
 امید است بطریق اولی در فارس ترویج مصارف  
 کنند، خلاصه به قرار معلوم آقای سردار ارفع  
 بعض خیالات عالیله از قبیل بنای محل مخصوص برای  
 مدرسه محرمه واحداث (مریضخانه) (دارالمجزه)  
 و یاره اصلاحات خیریه در نظر دارند که سپس  
 مشروحاً عرض خواهد شد

جناب (حاج رئیس) پیشکار ایشان نیز به نیابت  
 خیریه معظم له اقتفا نموده مینخواهند (دارالایامی)  
 بنا نمایند (جناب اعتداله الدوله) کار گذار هم  
 در حصول این مقاصد از هیچگونه مساعی فرو  
 نمیگذارند، جناب حاج (فخرالملک) حکمران  
 عربستان وزارت عتبات رفته آقای (فخرالملک)  
 و (برهان الملک) و جمعی عملیات شخصی در  
 خدمت شایسته هستند، شاهزاده (منتخب السلطان)  
 معاون حکومت و حاج (جلال الملک) رئیس عدلیه  
 عربستان هنوز در محرمه اند و گویا بعد از ای (شوشتر)  
 حرکت میکنند، هر صورت از طرف (سردار ارفع)  
 نسبت به نظام السلطنه و حاج فخرالملک و غیره نهایت  
 بذیرائی و مهیا نوازی معمول و مبدول افتاد،

فملاً حوزه حکومت محرمه و مضامین خصوصاً  
 و عربستان عموماً قرین انتظام، باران  
 رحمت بز بطور کامل نازل و میتوات گفت  
 از هر حیث نعمت تمام است، کابیشان (هادوت)  
 که از جانب دولت انگلیس سابق در کرمان و  
 کرمانشاهان قونسول بوده به قونسلگری عربستان  
 آمده است (شوکت السلطان) برای کار  
 تقنین گمرک و میرزا (عباس) خان بریاست  
 تلگرافخانه محرمه ورود نموده اند، هر کدام  
 در شغل خود اختصاصی دارند و همچو نباید  
 که همه خیرالخطاف باشند، کبسان نعت (بالون)

طیاره وارد کرده و ظاهراً با کارگذاری مشغول گفتگو است

### شوشتر

عربستان در سنوات ماضی ایالت بود حکام بزرگ از قبیل حشمت الدوله امیر جنگ و آصف الدوله و احتشام السلطه و سالار الدوله و نظام السلطه مرحوم و نظام السلطه حایه مرید از این حکام با اردوئی که از هنت فوج زیاد و نه از چهار فوج کم نبود با یاصد و شصت سوار جبار با توب و توپخانه و دخیه تمام این افواج و سوار جیره و مواجب می بردند و رؤسای اردو از امیر بجه و سرتب و سرهنگ و باور هم صاحب جادر و دستگا و کارخانه ماشکوه تمام خرج میکردند دخل می بردند مالیات و اقساط طهران نیز بموقع پرداخته میشد.

عربستان چند ولایت است یکی دزفول که دروازه خوزستان محسوب میشود. نقطه ایست مابین الرارستان و اعراب اطراف و عمان و شیل مختیاری، در زمان سلف که ایالت از طریق لرستان وارد دزفول میشد و در کوشک (که عمارت دولتی و آب طرف رود خانه شهر طرف مغرب واقع است) منزل مینمود با شکوه تمام رؤساء و خواجین و کلانتران و سایر عمال از هر نقاط ماستقبال میشتافتند و در روز ورود از شوشتر و رامهرمز و سایر بلدان اعراب آل کثیر و غیر هم تمام حاضر و صف سلام مانند عید که در ارك شاهی بود می بستند و هر کدام پس از گذراندن تقدیمی و مالیات و ترتیب امورات همه را مرخص و سرکار خود میرفتند، چنین ایالتی محسود سایر نقاط بود.

تا این اواخر که مرحوم نظام السلطه بر حسب حکم دولت خالصه جات عربستان را فروخت و خود هم قدری خرید، چه اجاره و چه خرید و بی طرف هم اغلب بای و در پرداختن مالیات ابا و امتناع مینمودند، تا زمانیکه به سردار ارفع واگذار شد، اکنون هم به صعوبت تحت اطاعت و از هر حیث مرتب آمده است فعلاً چیزی که باقی مانده شوشتر و دزفول است که عبارت از جعی سادات و ملا و نجار و کسبه، اما ادات و ملاکه معلوم است لا یضر ولا ینفع اما نجار و کسبه از اسداد طریق و شیوه اثر و نظم و بسیر چنین غله هم بریشان

حال وشکسته بال مای نیست که جمعی از کسبه شکسته نشود و فرار نکنند، علاوه بر آن نجار هم در این یکسال بیجشش دغه قافله آنها را در بین راه شوشتر و دزفول بفارت برده اند با حیواناتی که در آنان تمام را جماعت سکوند میکنند برده اند اگر سموع کردد که عربستان منظم است ناطی که جزو سردار ارفع اند تمام مرتب و منظمند، الا این دو شهر خراب و اطرافش که چیزی از خرابی دزفول و شوشتر باقی مانده مدتی است مقرر داشتند عربستان ایالت دارد

و آن دو شهر باید مالیات بدهند، توابع دارد دولت دویست و هفتاد سوار مختیاری مامور معین کرده صدق است ولی حکومت که مخارج دارد و مداخل ندارد اجزاء دارد دستگا لازم دارد طویله دارد از این دو شهر خراب چه حاصل دارد، لابد باید ترتیب خرج و دخل را معین کرد از این دویست و هفتاد سوار قریب یکصد سوار شوشتر و دزفول در خدمت گذاری قرار داده، نمیداند ایالت بجه خیال همیشه آنها را متفرق بدون ترتیب نگاه میدارد.

این است که هر چند روز یک جارا اشرا بر فارت میبرد و جمعی را مقتول میسازد بریشان و بھاك سیاه می نشانند، چنانکه چند روز قبل قریب یاصد سوار سکوند آمده قافله شوشتر و کتواند و دوآبادی معتبر شاه آباد و سیاه منصور جیاول نموده اند، بود در دزفول مگر هیجده سوار از رحیم خان مختیاری بیچارها تواقب کردند کشتند و کشته شدید چهار نفر از سکوند مقتول با بیج مادیان گاوله خورده بود و از طرف مختیاری ها دوازده اسب و مادیان و چند تفنگ سه تیره بردند و دو نفر نیز مقتول شده و باقی فرار کردند بهذلت تمام، این است ترتیب سوار های دزفول باقی کجا هستند و چه میشود معلوم است.

چند سوار دیگر هم در شوشتر خدمت ایالت هستند در قلمه سلاسل شوشتر هم از توابعش ملك عقیل است که تیول سردار هشتم است، سوار آهم در شوشتر است قریب شش هزار تومان از نقد و جنس شوشتر بعمل میاید برای ارباب حقوق و قره سوران راه قرار داده میشود، اما دزفول قریب سی هزار تومان مالیات محسوب میاید، بجهزار تومان دهات مغربی که فعلاً از تقدیمی اشرا سکوند مخروبه

اند. صاحبان املاک سهل است دیوان از مالیات آنها محروم است و قریب شش هزار تومان مال ارباب حقوق از تنگ السادات و پلنگ السادات وغیره است. هزار تومان هم بعض محترمین مرحق اجباری از حکومت میخواهند که سی هزار تومان راجع بدهات دیگر از بختیاری و اهالی شهر و کسبه بازار باید به بردازند. در صورتیکه اعراب اطراف و اشرار سکوند اینها را صدمه زنند، صبی بردارند این قندی عربستان که باید سوار عالی غبی و حاضری تمام از این عمر به برند شرح حالیه این دو ولایت که اشرار جری شده اند و این دو شهر شوشتر و دزفول مبتلا شده اند بمرض لا علاج و علاج نزد اطباء حاذق بحرب وزارت داخله و وزارت جنگ و باقی اولیاء امور است اگر توجیهی بفرمایند و باقی مانده بچارگان این دو بلد را دریابند که بکلی از دست رفته و برخی فراری و متواری کشته اند، در خانه اگر کسی است این هم حرف پس است.

نیز چند یوم قبل فرحات عرب سر به باغی گری در آورده در ۶ فرسخی دزفول منزل دارد مدتها است در ده نو که نشین دارد حصی محکم برای خود مرتب کرده بود چندی قبل شیخ حیدر عرب را فریب میدهد و دم از اتحاد میزند بند که در قلعه نو نزد فرحان میرود امر به حبس حیدر میکند و بنای خراب برابا و اطراف را مصمم شده جناب سردار ارفع هرچه او را بیغام داده که راحت شود و حیدر را مرخص میکند باعث اعتشاش نشود و سنگ دماغ مسلمین را جائز نداند بر تخرش افزوده میشود. آنهم بزور آقا رحیم بختیاری که سمت نایب الحکومه را دارد سرمالا زده آخر الامر جناب سردار ارفع برای تنبیه او سوق عسکر داده تا سه یوم مدافعه و مدارا گذرانیده که شاید بدون آسیب طریق صلاح بود. بدبختانه بی باکانه فرحان شلیت مینماید که از آن طرف سر کرده قشون شیخ خزعل خان امر به پورش نموده بعدت دو ساعت شلیک. فرحان با اتباع و سواره بختیاری به آقا رحیم بوده مقاومت نکرده فراری میشوند، پس از تعاقب آنها قلعه را منهدم ساخته قشون بمرکز خود مراجعت نموده اهالی را از دغدغه آسوده فرمودند.

و از شر چنین شربری راحت شدند. حیدر هم مرخص شد. فعلا فرحان متواری است میگویند بنای دست برد بین واه شوشتر و دزفول را دارد ولی بسیار نادم شده خیال توسط را مینماید تا چه شود

### کرمان

احکامی از حجج اسلام در باب حرمت استعمال و خرید امتعه روس رسیده مشغول طبع و انتشار میباشد.

مال التجاره روس در کرمان چیزی که عمدت و معلوم است فقط است. قد روس در کرمان معمول نیست. سایر اقمشه نیز از یزد و مشهد و طهران و بندر عباس میرسد. معلوم نیست مال کدام دولت است و اهالی مدرك امتیاز این جور مطالب را ندارند مگر آنها که پای خرید میباشد باید تمیز داده جنس خارجی را که ممنوع است خریداری نمایند عجب است که عدم شعور و غیرت ملی اهالی بحدیست که میتوانند بمقتضای طیب ظاهر خود رفع احتیاج نمایند. لکن باز تعقل نموده نخواه جناب خارجه را بقیمة گزاف میبخزند. برك عالی كرك لطیف. آفری ممتاز. شال گوشه مالیده اعلی. شال های سلسله دوز. طافته یزد. مخمل کاشان. قناری خراسان. وغیره بندری ممکن است که برای اعلی و ادنی مصرف شود و استعمال نمایند.

لاکن غیرت وطنی نیست. تجار این مملکت اگر يك ماشین ریسان تابی بیاورند ممکن است تمام آنچه از خارجه می آورند در کرمان تمام نمایند. الان نظیر حوله اسلامبولی را با دست تمام کرده ارزان تر میدهند. چندی است که شطرنجی در بمبئی تمام کرده ارزان تر از مال روس وارد شده بکلی اجناس روس را منسوخ کرده جیت گای و غیره سکه مال روس و نجات عمده روس و سالی بیست هزار تومان در شهر و بلوکات مصرف داشت بکلی منسوخ شده. در لندن خانه او را ساخته کلی میرسد. لهذا مال روس را نمیخرند خود روسها نیز چندان در بند تجارت این حدود که منطقه نفوذ اسکلیس است نمیباشند. احتمال دارد خط را هم در هندوستان انگلیس ها کرایه او را ارزان کرده مناسبت آنرا فقط طافه

اگرچه خود انگلیس نفت ندارد مگر معادن برمه یا خود معادن ایران دابر شود  
ایرانی سواى قند و جایی که تعلق بشکم دارد  
دیگر همه چیز دارند و میتوانند خود را از احتیاج  
نجات دهند. جایی نیز در مدت قلیل ممکن است  
بکارند و عمل آرند. هزار افسوس در این مدت احدی  
از تجار و مقبولین باین خیال نبوده است که خدمت  
به اهالی وطن نموده ماشین ریسان تابی یا صابون و  
شیع سازی بازراعت جایی بازراعت نى شکر جاری  
ناید، حق مقام تجار تقصیر ندارند تمام قصور از  
امنای دولت و ملت و بی علمی و عدم پای بندی  
بقانون و اغراض بخرج دادن و سلب امنیت است  
که تجار از خیال غارت اموال خود بخیال دیگر  
نیفتاده اند. خداوند انصافی با اولیای امور و رجال دولت  
و ملت و رؤسای ایلات کرامت فرماید

### « قویات »

امنیت حاصل و ادارات محلی بالنسبه مرتب و  
مشغول انجام وظایف خود هستند مختصر بی تربیتی  
که دارد اداره نمایی و دیوانخانه عدایه است امید  
است آهم اصلاح شود، چندی قبل اشرار این محل  
از حرکت محمد علی کبابادی بهوس افتاده شبانه  
مجلسی ترتیب داده و معاهده نمودند که حکومت  
محلی و تمام رؤسای دوائر را کشته بلا درنگ  
علم مخالفت بلند نمایند دور نیست اشاره هم از  
طرف همسایه شده باشد. در هر حال حکومت  
سبق شده با عدم قوای داخلی بتدابیر حکیمانه  
رون هیچ زدو خوردی آنها را دستگیر و جلب بنظمیه  
نمودند در عدایه استنطاق مطلب معلوم شد تفصیل را  
بمرکز و ابورت داده، صورت استنطاق ایشان هم بر حسب  
امر وزارت جلیله داخله ارسال شد. ولی هنوز  
حکم مجازاتی نشده.

روز عاشورا اشخاصی که در اول محرک این  
اشرار بودند محرک رؤسای دسته شده که جداً  
مرخصی همین مقصرین را بخواهند. اگر ندانند  
بقوه اجتماع عمومی کشیده و ببرند. از این طرف  
حکومت مسبوق بحریکات شده به اجزای نظمیه  
مخصوصاً توصیه نمود سکه بطور ملاحت آنها را

نه بطوریکه اسباب فساد شود، خودم را اطلاع بدیدید  
قبل از حرکت دسته عدده از تیغ زنها و چند  
نفر از رؤسای دسته درب اداره نظمیه اجتماع نموده  
و آماده فساد بودند. بحکومت اطلاع دادند شخصاً  
حرکت نموده آمدند. نزدیک نظمیه اشرار بنای متاکی  
و فضایی را گذاشته و از برای زدو خورد حاضر  
شده، حکومت هم با کمال حوصله و رشادت بانهایت  
ملاطفت جوابگوئی و وعظه نمود، مصباح الملک کارگذار هم  
مسبوق شده بیرون آمد با تاقی بنهید و تدبیر جهت  
را متفرق نموده بکنفر از رؤسای دسته را امر  
توقیف نمودند، بعد از توقیف او باز اجتماع نموده  
و مپاهو راه اندختند حضرت مستطاب حجة الاسلام  
آقای حاجی شیخ علی اکبر مسبوق شده حاجی  
آقا رئیس التجار را بجهت جلو گیری فرستاده  
خودشان هم متعاقب آمده اهالی را اسکان داده  
ولی اشرار که مقصود شان معلوم بود متقاعد نشده  
تا حکومت مصلحتاً با وجود آنچه متساکی حاجی  
سید یحیی سکه از رؤسای دسته بود مرخص و  
یک ثوب عبا هم خلعت داده و این ننگه بزرگ را  
خلوایندند. الحق کار دانی و تحمل ایشان شایان همه  
نوع تمجید و تحسین است.

البته تفصیل وقتن محمد علی کبابادی به (بابک)  
سکه سه فرسخی بلده تربت است و استظهار  
حکومت و وقتن با همت نظر بجهت دفع آنها و کشتن  
سه نفر آنها و فرار نمودن بقیه کاملاً بهرض رسیده  
اینقدر معروض بدارد که چنانچه اساله غیر از ایشان  
دیگری حکومت میداشت تربت بد تربتی نقاط بود  
از جهت انقلاب و اغتشاش، در حین طرفیت اشرار  
با حکومت و فضلی و بسکوت گذرانیدن ایشان  
بواسطه تسکین ناپره فساد ر بعد خائف شدن ایشان  
دو نفر از قونسول خانه دولت بهبه روسیه حاضر  
و اهالی را دستور العمل وقتن بقونسولخانه و متحصن  
شدن و باره ترنیات دیگر میدادند، این بود سکه  
حکومت فوراً در مقام اصلاح برآمده و با آنچه  
فضایی یک ثوب عبا هم خلعت داده و نگذاشت اتفاقی  
بیفتد.

مدت انقلاب ( دست بشرارت و چساول و اوان  
اموال داخله و خارجه سکشوده و يك روز در  
سایه های خود آسوده نه نشسته و دست های زیاد  
شده بسبق مسافرت میبایند از جمله در ماه گذشته  
يك هزار نفر استعداد بهم زده و بطرف فارس  
و هپار شدند، بعد از مراجعت شان معلوم گردید به  
(اقرار خودشان) که در محل ارقو رفته و يك قصبه را  
که طاهر آسمش (گریخته) بود داخل شده و از قرار  
معلوم کایه اهالی آنجا سادات بنی قاطمه بوده اند، یازده  
نفر از معاریف آنجا را کشته و هفت شبانه روز در  
آن قصبه توقف میبایند، از قرار تقریر خودشان بقدر  
دو کرور اموال و اشیاء و اناث الیت را بنارت  
برده اند، بعد از چند روزی سکه در خانهای خود  
متوقف شدند مجدداً بطرف (خان زیان) و هپار  
گردیده سزایکی مراجعت کرده اند، قرار مسوع  
چهار صد و هشتاد قاطر نابار را زده از (خان زیان)  
می آورند، شش نفر از بویر احمدی و دو نفر  
از مستحظین راه هم درین سز مقول گردیده و  
طاهراً غارت این سفرشان از يك کرور بالغ میشود  
اموال زیاد از قالی و قاش و توباك و ملبوس  
و چیزهای دیگر آورده اند که فهرست آن  
يك کتابچه میشود، قالی بچاه تومانی درین صفحات  
بدنه تومانی، قاطرهای يك صد تومانی به يك تنگ  
ماوزر که قیمتش سی تومانی است بفروش میرسد  
همه ساله کار و شغل الوار بویر احمدی همزم و  
ذغال فروشی بود حال مدتی است به تجارت مشغول  
اند، خانهای حضرات بویر احمدی مثل آفس های  
پاریس و لندن شده هر ادنی همزم فروش صاحب  
بچاه هزار تومانی ثروت و دارائی شده است، چهار  
سال است يك پول مالیات بدولت نداده اند، تمام  
اموال و اشیاء داخله و خارجه را آوردند خبری  
هم نشد همه روزه و تجری و تجارت شان میانزاید،  
در خود به بهان حالیه بقدر يك صد قاطر فارسی موجود  
است که اشخاص خدا تا شناس به قیمت قلیل خریده  
و دارند میخرند

چند روز است جمعیت زیادی از بویر احمدی  
به تحریک حاجی معمار آقا بسرکردگی چند نفر کدخدای  
بویر احمدی آقا سعید و آقا منصور و آقا قباد و غلامحسین

خان بسرکردگی مخان که طفل هفت ساله است جهت غارت  
وارد به بهان شده اند و یکسره در عمارت دیوانی منزله  
نمودند و مطایبه مال دیوان از یهادر دیوان میبایند، بهادر  
دیوان جواب داده که ایالت جلیله مملکت فارس وارد  
بوشهر شده و چند روز است که جبه شیراز حرکت فرموده  
اند و همین دوسه روزه هم حکومت به بهان وارد میشود  
مگر چه خبر است، آن ها به بهادرالدیوان گفته  
که باید شمام همدست ما بشوید که هرکس حکومت  
باشد بیاید چه ترك باشد چه غیره جواب بدیم و  
الا شهر را غارت می نمایم، بهادرالدیوان استغفاء داد  
که نه من کلانتر هستم نه کدخدای تمام دکانین و بازار  
بسته هرکس در خانه بروی خود بسته و ابدأ نمیتواند  
بیرون بیاید، جمعی اشرار بویر احمدی هارا آورده اند  
جبه قتل و غارت بچاره ها و روز ورود بویر احمدیها  
توب خانه دولتی را غارت نمودند نمی دانم چه عرض  
نمایم که بقدر بوده است ذخیره دولتی را از تنگ  
و فشنگ و اسباب قور شاه تمام غارت همینقدر میدانم  
که چهار صندوق بیرون آورده بودند مال قتلشاه  
و محمدشاه و ناصرالدین شاه که روی صندوق مهر این  
سلاطین بوده در ذخیره دولتی هیچ نیست حضرات  
توبیها را هم زده و مجروحشان نموده و از توبخانه  
خارج شان کردند اطاق دیوانیکه نشیمن خود حکومت  
است اسباب ذخیره را قسمت می کردند وقت قسمت  
نمودن از آنجا بیکه بی احترامی بدولت و ملت کرده  
بوده اند نمک دولت و ملت ایشان را گرفته آتش  
می افند در صندوق باروتی، هر قدر اسباب از ذخیره  
در اطاق بوده قیمت دو سه هزار تومانی هم از  
اسباب خودشان با چهل نفر لرها آتش میگیرند  
و سقف اطاق از جا برداشته میشود تا حال از آن  
چهل نفر بیست نفرشان مرده اند باقی هم در کار  
مردند، چون بعضی دستشان بعضی ایشان بعضی  
شکمشان سوخته و پاره شده که در واقع معجزه است  
از دولت و ملت، اما حیف که اینها نمیدانند و  
مستعد شده اند که شهر را بچابند چاره نداریم  
بناه می بریم بخداوند جلت عظمته

### کاذرون

درجه اغتشاش و هرج و مرج کاذرون از سوء  
حرکات اوباش و اراذلها وضع جوانان را تشکیل دادند  
که کاه مسطیاف قیامت است، کاذرون که در...

قاری میباشد و تمام نظام جنوب چشمشان به نظم و امنیت  
آنجاست این اوقات شبی نیست که خانه قارت و دکانی  
صرفت نشود و روزی نیست که فریاد مظلومین از شدت  
ظلم ظالمان بکنند دوار نرسد ، اگر بخوام وضع  
شهرت و بدبختی این ولایت که تمام مردم بدست  
یک مشت بی دین شرور اسیر و دستگیر گشته اند  
بمرض برسام مثنوی هفتاد من کاند شود

چنانچه میگویند جناب مستطاب آقای حاجی  
صدرالسادات با آقا زاده شایسته جناب نائبالصدر  
حسام وقتند دو نفر از اشرار و اوباش که شغل  
و کارشان پیوسته دزدی و آدم کنی است سرینه  
حمام باره از سخنان کفر آمیز که ذکرش نزد عقلا  
مذموم است به زرگان دولت و ملت عنوان میبایند ،  
نایبالصدر را با بیخ تیره آلمان هدف می سازند  
تفضلاً کارگر نیتاد ، ناصر دیوان فوراً مشارالیهارا  
گرفته محبوس نموده تا حکم از ایالت جلبیه چه صادر  
شود ، چنانچه بجزا و جزای اعمال و افعال  
نرساند عنقریب است که از ما اثری باقی نماند و  
باقا ماحدی نشود ، والله علی ما اقول شهید ،

### قدم اول در اصلاحات بلدیة بوشهر

از زمان افتقاد بلدیة در بوشهر تا بحال کاری  
که موجب وقاهیت تمامه امالی شهر بوده طاهر  
فناختند جز در این اوان که واقعاً از روی جدیت  
یا اصلاحات لازمه اشتغال ورزیده اند ، طرق بازار  
که بسیار تنگ و محلو از گل ولای و لجن بقسمی که  
حاجین از عفونت و تسکی در اشد عذاب بودند  
وسیع و سنگ فرش نموده و از برای مخارج اصلاحات  
مداخل محبیه بدست آورده و می آرند ، چیزی که  
حایة امیدواری است و همه اهالی اطمینان دارد  
این است که حایة این اداره از حیث ومیل مصون  
و از برصکت اقدامات محبیه رئیس انجمن آقا  
سید حسین بهمان و معاون اداره بلدیة امیدوارند  
عن قریب جمیع کوچهای بوشهر مسطح و بواسطه  
نصب چراغ مانند روز روشن کرده و اسمار و اوزان  
در تحت میزان و قاعده محبیه تخلف نپذیری در آید

### ساقی نامه وطنیه

( اثر خاتمه و کن التجار از بوشهر )

بده ساقی آن آب چون جان پاک  
گنای سکه قوی رساند چه پاک

بیای دم زان می لعل گوشت  
به تن در بچوش آورم بدست خون  
بزن آتشین آب بر جانت من  
به چاه کن نازه چانت من  
ز اندوه ایران دلم شد کباب  
خدا را بر این آتشم زن تو آب  
دلم خون شد از دود و داغ وطن  
تا ساقی را رحم بر جانت من

وطن هست ممشوق و منظور من  
مرا نیست محبوب غیر از وطن  
مرا غیر ایرات نباشد عزیز  
جز عشق وین نیست هیچ چیز

کنون است محبوب من در خطر  
من این زندگانی نخواهم دگر  
ز دل بر سگتم ناله آتشین  
بسوزم بدان جمله دویی زمین

باقطار عالم رسانم خروش  
جهان را در آورم سرامر بچوش  
به نیروی همراهی منصفان  
وصام بهر سکو بود در جهان

هم ساخته روس با انگلیس  
بی بردش این متاع نفیس  
بتقسیم ایرات هم داده دست  
نخواهند از این کار از با نشست

قضا بین که با ما جنان کرده است  
دو دشمن هم مهربان کرده است  
زگیلان زمین گشته تا خاک طوس  
لنگد کوب اسبان اردوی روس

به تبریز و رشت و قزوین و خوی  
بناحق عدو بی سبب کرده روی  
کنون در چشوند مشغول کار  
که لیدوش بر آرند از ما دلار

هر کار ملکی دخالت میکنند  
همی تیشه بر ویشه ما زنند  
بطهران بدادند یک یاد داشت  
که از ملضت بیخ و بیباد داشت

سکه اندر صحارت بود کاسق  
براه است دزدی و ناراسق  
بدین حیلہ خواهند ملک کیان  
بگیرند از دست ایرانیان



ندانم که ما چون بخواب اندیم  
 همی در ره سید در بستیم  
 ز تاریخ بگذشته ناریم یاد  
 که خاک وطن چو برفه بیاد  
 ز اوج سعادت بزیر آمدیم  
 ز بسد غنا چو بقیه آمدیم  
 ز ایران سمر شد به گیتی رواج  
 شهبان ز شامان گرفتند باج  
 نخستین خدیوی که کشور گشود  
 سر پادشاهان مکیو مرث بود  
 ز جشید مانده است در روزگار  
 پس از جام جم علم و فن یادگار  
 تمدن از او در جهان رو نهاد  
 علوم و فنون راست او اوستاد  
 فریدون بزم و هنر در جهان  
 ستایش کنندش همه منصفان  
 ز کشور کشانی کاؤس شاه  
 ز ماهی خبر - بیرون تا به  
 چه کبکسرو آت پادشاه وحید  
 خدا تا کنون در جهان نافرید  
 ز اهراب گشتاب اسفند یار  
 ز شاپور و دارا شاه مامدار  
 ز پرویز و خسرو ز نوشیروان  
 که عدایش گرفتی گران تا گران  
 پیغمبر بفرمود کردم ولود  
 بهمد شهنشاه عادل که بود  
 ز آثار مهردوم برس پلین  
 اگر میتوانی بخواب و نویس  
 که شاهان ایران چنان بوده اند  
 شهنشاه ملک جهان بوده اند  
 هنوز اسم رستم کند زهره آب  
 نیشد بقیه ارسکه افراسیاب  
 چنین بوده محدود ابراهیم زمین  
 بسیحون و جیحون و دیوار چین  
 یکی حد او بود شط فرات  
 حد دیگرش نیل و آب حیات  
 شهنشاه بودند ابرانیات  
 بروم و بمصر و بهندوستان  
 ز ما علم راه اروپا گرفت  
 بخود مان فروشد اکنون شکفت

کجا بود روس و کجا انگلیس  
 که جشید تشکیل کردی پلیس  
 چه سازم که تیره شدم روزگار  
 همه آت نمودم که باید بکار  
 بنا اهل چون کار ایران رسید  
 همه رشته امامت زهرسو برید  
 پس از نادر آت شاه همت بلند  
 ز بسد کریم خان شه ارجند  
 در رحمت حق با بسته شد  
 قلم اندر این جای بشکسته شد  
 بعد سال بازیچه شد مملکت  
 بدل شد به تن پروری سلطنت  
 ز یک سوی خود فرق عنبر شدند  
 ز سوتی بی خواب ملت شدند  
 همه زوت مملکت روز و شب  
 بشد خرج اسباب هوا و لب  
 همی ره سپردند سویه فرنگ  
 بی وصل مادام شنکول و شنک  
 نه در بند ملت نه در فکر ملک  
 نه اندر بی دستگیری فلک  
 نه توب و نه سرماز و آلات جنگ  
 نه تپ و نه مستحفظ و نه تنگ  
 امیران شیر خواره در مهد ناز  
 وزیران بی کاره کردن فراز  
 همه فکری دزدی و تن پروری  
 نه بشنیده بوی از وطن پروری  
 بجایه هنر مطرب شد کمال  
 عروج مناصب سبب شد جمال  
 کمالات و علم و هنر بهکسره  
 بدل شد بقوالی و مسخره  
 ره خارجه باز شد در وطن  
 قساطیم محتاج شافت تا کفن  
 صنایع ز ایران چه سیمرخ شد  
 هنر خوردن سینه مرغ شد  
 چنان سد کشیدند بر روی علم  
 که می نشنود هیچکس بوی علم  
 در افعال ملت چنان کار کرد  
 که نتوان بصریش بیدار کرد  
 چه گویم که نا گفتیم بهتر است  
 زبان در دهان پاسبان سر است

دو آخر چه عهد مظفر رسید  
 بگنتم که وقت ظفر در رسید  
 در آن عهد بدتر ز ما قبل شد  
 تن سلطنت چون یکی طبل شد  
 نهادند بنیاد مرضه ز روس  
 رخ ما نمودند چون سند روس  
 باخر ز (عدل مظفر) نمود  
 تلافی کاری که خود کرده بود  
 و ایکن نکرد عمر او اکتفا  
 که این کار خود را دهد آنها  
 ز بند و پیم انقاد طرح نفاق  
 چه عنقا و سبمغ شد اتقان  
 ز جهل اوفتادند در راه کج  
 از این ره بملک آمد این هرج و مرج  
 ز بی علمی اتاد بر یکدیگر  
 همی این ز آن آن ز این در خطر  
 هر روز اسبانی آمد به پیش  
 همی خاک پاشیده بر فرق خویش  
 خصوصاً که شیراز و اهل جنوب  
 خدارند نقص از جیب عیب  
 تماماً ز بی علمی آمد بید  
 ز بی علمی این لطفه بر ما رسید  
 و لاسکن بتاریخ چون بنگری  
 هزاران از این وقته ها بشمری  
 هر آن ملتی سر برآورد ز خواب  
 که در ظلم خواهد گذارد حساب  
 دهاند ز ظلم و ستم خویشتن  
 دهد از ستبداد هر راه زب  
 ز زیر فشار ستبداد دوش  
 خود و مملکت را بیارد برون  
 بناچار از خارج و داخله  
 به پند هر گام سد خانه  
 بسختی تصادف میکنند دمبدم  
 عوایق به پند به پیش قدم  
 ز هر سو موانع به پیش آیدش  
 بی نوش هر لحظه نیش آیدش  
 همان ظالمان بی حد و بی حساب  
 بدانند زنده آتش انقلاب  
 هر گوشه فتنه افکندند  
 بکه بنیاد بیچارگان بر میکنند

به تغییر و تبدیل هر مملکت  
 بمشروطه گردیدند سلطنت  
 بناچار آید به پیش انقلاب  
 الا تا در آیند جمله ز خواب  
 بهم بشقی هم کنند اتحاد  
 بهم نسق هم کنند اعتماد  
 باصلاح ملکی هوفق شوند  
 بقانون بی تازه رونق شوند  
 در این حال انصاف باشد حکم  
 که ایراد همسایه باشد ستم  
 کسی کو تمدن کند ادعا  
 ز آزادی این سانس گرفته بقا  
 بیست ملت تازه بیدار کار  
 که از قدمت خود کنند افتخار  
 چنین عرصه را تنگ و ششدر کنند  
 ز خود جمله عالم مکدر کنند  
 بدانند هم روس و هم انگلیس  
 که ایران متاعیست نیک و نفیس  
 بارزات نشاید ربود این متاع  
 اگر جمله عالم میکنند اختراع  
 که ایران بود مال ایرانیان  
 رسیده با ارن سلسالیان  
 اگر بک نفر زنده از مرد وزن  
 جانیم می نگذریم از وطن  
 مرا طار آید از این وطنی  
 که سالار باشم کنم بدنی  
 ننگارنده بی فرضی از بوشهر مینویسد  
 نیل سعادت و خوشبختی و رسیدن بمدارج  
 عزت و ترقی موقوف بدرایت و ایات و اندازه  
 تمنا و آرزوی هر طایفه هر قبیله و هر دسته است  
 غالب ترقیات ملل عالم نتیجه زحمات و تمنا و اندیشه  
 و فکر ایشان بوده و می باشد، دست قدرت الهی  
 جمیع وسائل ترقی و ثروت و اسباب و علل اعتلا  
 و مدنیت را آماده و مهیا نموده نهایت آنستکه هر  
 کس بلذت ترقی و ثروت نائل نشده خود معاول  
 بوده لیاقت نداشته تمنای بزرگی درکله او یافت نشده  
 مشعر وی کامل نبوده درصدد حصول آسایش و نعمت  
 آزادی، و حریت و عدالت بر نیامده است  
 بدیجی است بدون زحمت و حرارت و بدون

خواهش و تمنا هیچیک به متمنیات حق و حقوق مشروع آزادی نرسد و نخواهد رسید در صورتیکه در عالم هیچ مقصدی هیچ پادشاهی نتوانست جلوگیری از رسیدن اهالی بمقوق مشروع نماید . بطریق اولی جاگران و فرطارویان او هم می تواند مانع شوند. نسبت پادشاه بموم اهالی يك مملکت مثل نسبت حاکم هر شهری است نسبت با اهالی آن . همچنانکه واسطه بیداری و اتفاق ملت پادشاه صاحب تخت و حشم و بارگاه با آن همه قوه و اقتدار مطرود و معزول میشود البته در موقع اتفاق و اتحاد حاکم ضالم وطن فروش معزول و منکوب ، مسؤل و مصوب خواهد شد .

از این مقدمات میتوان چنین نتیجه حاصل نمود که عقب ماندن اهالی جنوب ایران از مزایای ترقی و حصول استقامت دولتی که باعث بقای استقلال مملکت و حصول امنیت و عدالت است از بی لیاقتی و عدم خواهش و تمنا و اتفاق و اتحاد خود ایشان است . بی علمی و نفاق اهالی جنوب با نضعف مدد و محرک تطاول حکام و سرکشان و اعتشاش راهها و خراب کاری ایشان است . مثلاً اگر اهالی بوشهر اتفاق داشتند و واقعاً مایل به ترقی بودند قهراً دریافت میکردند مانع را از میان بر میداشتند .

سلمان دریایگی حاکم بادر مایل بست هیچیک از ترنییات سابق بهم بخورد تا تکلیف ما پشاه تصرفات غیرمعتاد نماید. ولی اهالی چرا راضی میشوند؟ چرا اتفاق میکنند، چرا از وی انتظام ادارات را میخواهند، البته همه کس راحت طلبی میخواهند صرفاً خود میخواهند اهالی بوشهر چرا میکنند حاکم کار نکند و اصلاحات مهرا به تعویق بندازد دریایگی از جنس همان حکام شمال است چگونه اهالی شمال به زور خود از برکت اتفاق بجهت خوشبختیها کامیاب شدند، ادارات آنها منضم و روز بروز در ترقی هستند، ولی در جنوب ساعت بساعت ترقی معکوس و تقهیری میروند اهالی بوشهر چرا از رعایای فقیر يك ده کوره مانند چاه کوتاه که هشت مرسخی ایشان است عبرت و عبرت و حجت یاد میکنند، که چگونه مشیت رعیت جوکار اتفاق نموده حاکم ظالم خونخوار عداری مانند شیخ حسین

را بیرون کردند، هرچه سنگ و بیوجودی است در نهاد اهالی مستتر است، خود بهمین حالت ذنات و توحش و ظلم کشی و حق شکنی راضی و طالبند، اهالی بوشهر اگر دوات خواست ملت خواه ترقی خواهند چرا اتفاق میکنند و انتظام ادارات مخصوص اداره حکومت را از دریایگی میخواهند؟ اگر اقدام نموده همان قوه که رئیس خدایان و سرسلسله ظالمین را طرد نمودند او را معزول و مطرود سازند، گناه دریایگی اگر یکی است گناه اهالی ده است، اینهمه عالم، اینهمه ناچرا، این همه کسبه، اگر اتفاق میکنند خدا میداند در عرض یکماه نائل بمقوق خود میشوند یا آنکه طایع را بکلی از میان بر میداشتنند، ولی بد بختانه در میان سی هزار نفر فقط دو سه نفر بیچاره که آهم بدستبازی خود دریایگی يك وقتی انجمن مدار بودند امروز انجمن خواهند، آهم برای تعمیر خود، و ماضی اهالی چون اهالی قبور ساکت و صامت مشغول به پایان رسانیدن روز و شبند

#### واقعت بوشهر

در بوشهر بنامه چیزی که باعث روشنی چشم وطن خواهان بوده باشد بوقوع رسیده و معلوم نیست اهالی بادر بفوائد اصلاحات ملکی که ترقی و شوکت دولت و مایه شرف و حفظ ولایت ایران است برخوردار شوند، اقواها در کوجه و بازار شیبده میشود که حکومت بادر بعد از این مدت منتهادی در خیال شروع باصلاحات و حفظ شؤونات دولت است . دارالحکومه را تعمیر اوامر بلدی را اجراء می نماید . اصلاح نظریه را بر رئیس نظمی که بگویند شخصی با حارت و مجرد است و گذار نموده سال آینده نیز برخلاف سنوات گذشته تصرف در دینداری از مالیات نخواهد نمود، ولی حقیقت حکمرانی و اصلاح اداره آن که مرکز و محور جمیع ادارات است از همه چیز خراب تر و ویران تر نظر می آید، ولی هروقت امورات حکومت مانند سایر دوات خارجه که در بوشهر هستند اداره شد و رئیس و مرؤس بر حسب وظیفه از صبح تا عصر مشغول بانجام و طایف ملکی گردیدند میتوان تصدیق نمود که حکومت داریم ، وگرنه با این وضع حالیه که مایه ریشخند و تمسخر خودی و بیگانه است روز بروز

شونات دوات کاسته و نفود خارجه پیش از مشهور  
رو بتزی صمود می نماید .

شایعات بوشهر در خصوص

( فرمانفرمای فارس )

يك حصه از اردوی ایالت در مدت دو هفته  
جنگ و نزاع مختصر بر زار خضر غلبه پیدا نموده  
یعنی چوشتاب مقاومت نیاورد اهم را تخلیه  
نموده فرار و محاب بدر دلوار رفته است ، از  
قرار مشهور ایالت در صدد تخریب قریه دلوار  
می باشد ، از اطراف جماعتی از اهالی دشت که همه  
در عمل قاچاقی شرک علی دلواری بوده اند بجهت  
او در دلوار مجتمع و خیال دارند اردوی ایالت  
را حوایب گویند ، ولی بطور تحقیق از عهده  
بر نخواهند آمد ، و این همه تعطیل از برای مهم  
ساختن قضیه می باشد ، دو روز قبل تلگرافی  
از ایالت در احضار دریا یکی قریه اهم رسید ،  
عقبه جمعی بر این است که میخواهند اردوی  
بسرکردگی دریا یکی مرتب و از طرف عباسی و تسکه  
برای سرکوب اشرا لارستان حرکت دهد و ماضی  
اردو بسرداری معیت الدوله از طرف فیروز آباد  
و کله دار بسمت مهور گسیل داشته اند

فتح بندر دلوار توقف ایالت را در ساحل خلیج  
خاتمه میدهد ، چون معلوم نیست چه وقت این قضیه  
واقع می توان حرکت شارا برای شیراز معلوم نمود و  
همه مطلقاً که باعث تکدر خواطر عموم شده همان  
عدم انظام عبور و مرور پست میباشد ، با وجودی  
که غالب راهها برف گرفته قوافل عبور می نمایند  
ولی قاصد پست دو هفته يك مرتبه هم نمیرسد ، عا  
تعویق آن معلوم نیست از چه راه و از چه سبب  
میباشد .

ایضاً

دو سه روز بود سورت سردی هوا بر طرف ،  
و خیل ملائم شده بود لکن امروز که ۱۲ صفر  
میباشد تغییر هوا و قسی سرد شده که آتش خیل  
مطلوب است .

ایالت فارس فعلاً در اهم که ملك خود شان  
است میباشد و بعضی از اشرا فرار کرده و بعضی  
را به سزای اهل خود رسانیده اند ،

راه شیراز و کازرون يك ماه است از طرف

مسدود که هیچ تردد نمیشود ، شنیدم رئیس پست  
تلگرافی از شیراز داشته که تا روز بیستم برج دلو  
که بجنبه نهم صفر باشد هشت پست از شیراز  
آمده (خان زنیون) ۹ فرسخی شیراز برف گیر شده  
و هفت پست که از بوشهر برای شیراز رفته بود در  
میان کتل برف گیر شده و هیچ نفری و جاره در  
دست نبوده است ، حق اینکه قونسل انگلیس که از  
بوشهر برای شیراز حرکت کرده و در کازرون  
معتل است دو نفره عمده و گاو گرفته برده که  
بلکه راه را از برف يك کند جاره شد و برگشت  
و علیق و آذوقه در آن منازلی که قوافل گرفتار  
است قحط ، که اغاب مال و آدم از گرسنگی تاف  
شده اند .

یکتار از تجار بوشهر با شیراز تلگراف حضوری  
داشته از شیراز گفته اند که از شدت برف و سرما  
کسی نمیتواند کسی را پیدا کند ، آنچه از اطراف  
الخبار تلگرافی میرسد فعلاً جمیع طرق ایران از  
هرجهت بر از برف و آمد و رفت مسدود شده

امروز نزدیک بود فتنه بزرگی حادث شود  
حسین خان توبچی دیروز در حال مسی با دختری  
مزاح و دختر داد و فریاد زده پلیس خبر شده او  
را گرفته و اهل محله حیماً از شرارت آن توبچی  
شاکی و بنا بوده توبچی را بیاورند در مقر حکومت  
و در حضور رئیس نظیمه و صاحب منصب توبخانه  
بناوب نظامی تازیانه زده تأدیب شود ، سایر  
توبچیا خبر شده بیغام میفرستند که الآن هجوم میآوریم  
باداره نظیمه و چنین و چنان میکنیم ، خبر که بحکومت  
میرسد يك دو نفر آدم معقول پیش آنها فرستاده  
نصیحت میکنند و عموماً طرفین ساکت اند ، و  
معلوم نیست ولایت بی توب این همه توبچی و صاحب  
منصب که سالی هزاران اقتضاح برای دوات و ملت  
بالا می آورد و هزاران تومان حقوق شرارت خود  
را بگیرد برای چه است که آخر بهانه بدست  
خارجه افتد

امساله سرما و طوفان زمستان بقسی که اشخاص  
معمربنگویند یاد نداریم من جمله روز دو شبه  
۲۸ شهر محرم که بقرار جاری جهاز میل از بصره

اعلام و بشارت

مصارف پروران و ترقی خواهان و هموطنان معظم که طالب تربیت و تعلیم انشاء عزیز خود میباشند بوجود کتابهای مفیده ذیل در مدرسه مبارکه سعادت بوشهر بشارت میدهم

اول - سلسله میزان التعلیم از ابتدائی تا چهارم - پنج مجلد بهترین سلسله کتابهای تعلیمی فارسی مصور، و مشتمل بر تمرینات و پرسش و معنی کلمات جدید و فوائد لغوی و مطالب علمیه سودمند و نصایح و بندهاست، بقسمی که متعلمین از خواندن آنها نفع و لذت میبرند، و هیچوقت از تدریس آن خسته و ملول نخواهند شد. کتب مرزبوره وقت تعلیم را مختصر و زحمت معلمین را کم و راه ترقی متعلمین را سهل و آسان نموده است - دوم - انشاء جدید، نویسنده کاتب و تمام منشیان را بهترین هادی و رهبر است، مشتمل است بر هشت فصل، از خامه جناب فاضل و دانشمند کامل آقا میرزا محمد منشی قونولخانه انگلیس -

سوم - حساب جدید، بسیار سهل و آسان و ساده مشتمل بر تمرینات و مسائل عملیه فراوان - چهارم - مسائل شرعیه عملیه مطابق فتوای حجت الاسلام آیه الله خراسانی مدظله -

پنجم - جغرافیای ابتدائی - با خط بسیار خوب و چاپ اعلی

طالبدین - مدرسه سعادت بوشهر توسط جناب ... آقا شیخ عبدالکریم سلمه الله تعالی مؤلف کتب فوق رجوع نمایند -

مابوس مریضان را مشوره صحت

بنده از پنجاه سال شنا خانه یونانی و دکتری جاری دارد و تا بحال تقریباً پنجاه هزار مریضان سوزنک حرقت بول - و آتشک و ضعف باه یا نقص مردمی و غیره از علاج من شفا یاب شده اند - پس کسانی که در این امراض مبتلا باشند و از هیچ علاج صحت یاب نشده باشند - باید که ورقه تشخیص امراض از من طلبیده از آن معلوم نمایند که آیا مرض آنها قابل علاج است یا نه - و اگر قابل علاج است در چند مدت خوب شدن است - نوید حلول مراد - برای طالبان اولاد و زمان عقیمه و عاقره - حامله می توانست بشوند -

میشود قسمی دریا در طلاطم و طوقان بود که جهاز نتوانست تبدیل بست و عبری کند و از خشکی هم کسی نتوانست مجهاز برود لهذا جهاز رفت و بست زمین ماند ،

ایالت فارس در برازجون هستند و مقداریه فشنگ و دو نفر توپچی قابل خواسته بودند، گویا از طرف حکومت بوشهر برای ایشان ارسال شد ، اوام است که حکومت بهمان به صوات السلطنه برادر صوات الدوله تقویض شد ،

در این هفته جمعی از تجار محترم به منزل حکومت بنادر رفته اظهار کردند که بعد از تشکیل اداره نظمیه و پلیس مسئول امنیت و اعتشاش شهر کیست، این قبیل پلیس کفاف محافظت شهر نمیدهد ، حکومت جواب داده که مسئول جمیع امورات شهری خود من هستم و شما ها در کمال اطمینان باشید که هر اداره که تشکیل میشود از تحت توجه حکومت خارج نیست ، دو روز قبل معاون اداره بدهی در بازار رفته نرخ گوشت و ماهی را معین کرده که گوشت یکمن چهار قران و ماهی بر حسب وقت منصفانه فروش رود ،

از ضهرات امر شده سرباز خانه مخروبه قدیم را باز دید کنند ، لهذا رئیس کرک و طالبه مهار برده شش هزار تومان تخمین زده اند که بطهران اطلاع دهند ،

آقای نظام السلطنه و سردار عشایر و سایر ملتزمین و کاب، روز سه شنبه ۲۲ محرم سنه ۱۳۲۹ از بوشهر بطرف شیراز حرکت فرمودند، چون عمده خرابی فارس از اشراق دشتی و دشتستان و لارستان میباشد که از بوشهر بطریق کناره دویا که از خشکی ورود بلارستان میرسند ، لهذا اردوی جیبی با دوازده توپ حرکت دادند که اولاً اشراق تنگستان و دشتی را گوش مال داد ، کرک بنادر ثلاثه مخصوص بدر (دلوار) که فعلاً دست خوش علی قاواری است بتصرف مامورین کرک داده و مالیات ساوات گذشته را و ول کرده بطرف بندر سلویه و کنگان و غیره رهسپار و بخاک لارستان برسند، سرکرده اردو گویا برای اینطرفها سردار عشایر باشد و برای لارستان هنوز معلوم نبود که از بوشهر حرکت کردند ،

«بندرتک»

حال قریب دو سال بود آنچه در لتک سرقت  
حیرت آناری معلوم نمیشد، تا آنکه چند یوم قبل  
منصور دیوان آدمهای مختلف محرمانه همهجا معین نمود  
و سه بسته قشاش سکه در زیر زمین تازه برده  
بودند اطلاع دادند، نایب‌الحکومه اقدام نمود و  
دو سه نفر از ایشان را دستگیر کرده قشاش ها را  
بیرون آورد و بصاحبانشان مسترد داشت و رسید  
گرفت، آن دو سه نفر رفقای خود را نشان داده و  
اقرار کردند، چهار نفر دیگر شان هم دستگیر  
شدند، بعضی اسباب از کلیم و غالی و عبا و سر  
قلیان قره و تنگ و جبهه و شیره که همه شکایت میکردند  
مال مسروقات سامای گذشته است بهوجب سیاهه  
هزدها اقرار کردند که همه را نخویل و جبعلی حاجی  
حسین تاجر لاری داده ایم و جمیع اسبابها در خانه آن  
تاجر محترم بیرون آمد، و فعلاً رجبعلی هم  
محبوس است، معلوم شد که این شخص محرک بوده  
چه یکی از دردها را در عیالش میباشد، فعلاً هموم  
مردم وضایت دارند، و آنچه تا کنون وصول  
کرده و عن مال موجود بوده تماماً بصاحبانش  
رسیده و قبض رسید گرفته اند، هر گاه باین  
حوش رفتار کنند خیلی اسباب راحت مردم میشود

«ترجمه از روزنامه اکسیون پاریس»

( افساد پادشاه سابق ایران )

در اینموقع مسافرت محمد علی میرزا بفرنگ شرحی  
در روزنامه های آلمان و انگلیس و فرانسه و بلژیک  
راجم باو دیده شد و اینست اجال مندرجات آنها را  
ذیلاً می نویسم

پادشاه سابق ایران محمد علی با زن و بچه اش و  
چند نفر دیگر که در جزو آنها یکی هم هم  
ارشادالدوله پسر عموی مستبد معروف امیر بهادر  
لمست که در ۲۳ ماه ژون هزار و نهصد و هشت  
سر کرده قوه نظامی بود که مجلس را بتوب بست  
به اینجا رسیده اند، با وجود اظهار کتمان این پادشاه  
مخلوع و اطرافیانش واضح و آشکار است که مقصود  
محمد علی از این سفر فراهم آوردن اضمحلال  
دولت جدید می باشد، در وینه مفصل با امیر بهادر  
که تمجید شده کنکاش کرده است، درین ملاقاتش  
یا مستبد مشهور سعدالدوله رئیس الوزرای سابق و

مخصوصاً با ظل السلطان که در هزار و نهصد و نه  
خواست به ایران برود ملاقات کرده صریحاً  
معلوم نیست سکه درباریس محمد علی با کی توانست  
ملاقات بکند ولی معلوم است در اینجا هم جد  
و جهدش برای انجام کار خود بوده است، در  
موقع عزیمت از اینجا می گویند خیال داشت به برلین  
رود، به امید اینکه در آنجا می تواند از ایرانیها سکه  
باطنا با مقاصد او همراهند پیدا نماید

افساد محمد علی کلبتاً و خلاف تعهداتی است که  
با سفارت روس در طهران کرده و بواسطه همین  
تعهدات است که از دولت ایران مواجب برای او  
گرفته شده است، و حقاً این مواجب هم می بایستی  
قطع شود

اگرچه پادشاه مخلوع همچو او نمود می کند که  
روسها در باطن با او همراهند ولی این مطلب صحت  
ندارد، حتی با معلوم است که دولت روس از رفتار  
نامشروع بناهنده سابق خودش (محمد علی) بسیار شاکی  
می باشد، روسها حالا پیش از همه وقت مصممند که  
نگذارند اطرافیان محمد علی در ایران افرادی برپا یابند  
و قتیکه این پادشاه مخلوع را انسان می بیند تعجب  
میکند که چطور او باز می تواند طرفدار داشته باشد  
علامت تناسخ که شقیقهای باریک او نشان می دهد  
در او پیداست طرفین صورت خیلی گریزان با  
ساقهای کوتاه مضحك زیر یک بدن جاق

اشخاصیکه او را دیده اند می گویند به اندازه کم  
هوش و از علم سیاسی بی خبر است که گوئی در پشت  
یک تکان فرش فروشی بزرگ شده است، با خیالات  
فاسدی که دارد دروغ گوئی نیز طبیعت ثانوی وی  
کشته است، بجهت نیست که ایرانیها خود شان را  
از دست او بطوریکه غناینها خود را از دست  
عبدالحمید نجات دادند خلاص نمودند، ولی بدون شبهه  
عبدالحمید محمد علی را برای یاک کردن کفشایش هم  
لایق ندیده و قبول نمی کرد

«ایضاً ترجمه از روزنامه اکسلور پاریس»

در این موقع مسافرت محمد علی میرزا بفرنگ  
شرحی در روزنامه های آلمان و انگلیس و فرانسه  
و بلژیک راجم باو دیده شد و اینست اجال  
مندرجات آنها را ذیلاً می نویسم

( پادشاه سابق ایران تاسف مقام گذشته )

( خود را دارد )

پادشاه‌های تبعید شده بعضی اوقات اسباب ترحم انسان میشوند، تغییرات پلتیکی که اغلب مسؤل آن نیستند آنها را از تخت و تاج محروم و از وطن خود دور و سرگردان می‌سازد، آنوقت خیال آنها در پی رفورم‌هاییکه می‌توانستند بکنند و نکردند افتاده و از دور بایک مین‌مخصوص اخبار و تغییرات مملکت خود را شنیده و در آن خیالند که دوباره بتواند بقم خود رسیده کاری بکنند.

پادشاه سابق ایران محمد علی که خود را در هوشیاری و بیهوشی و باریس و بروکسل و برلین اسم جعلی صهرانی می‌بوساند، جزو این پادشاه‌های تبعید شده نیست که رفتیبتوان بحال او کرد، این بی عقل مسح با کله تیز نوک شیبه بکله قند با ساقهای کوتاه و تنومند تاحال کاری نکرده است که برخلاف زحمات ملت ایران در راه ترقی باشد سلطنت این پادشاه واقعاً سنگ تاریخ ایران است، محمد علی که همیشه اوشدالدوله را همراه خود دارد حال در برلین مشغول افساد است، معلوم است در آنجا هم همان مهال نوازی که در جاهای دیگر شده است و خواهد کرد « مقصود از این مهال نوازی کویا فراری شدن محمد علی از پاریس است »

اگرچه محمد علی می‌گوید که ره‌سپار حیات از او و از خیالات سپهانه او خواهند کرد ولی بگفته او هیچ کس باور نخواهد کرد زیرا که دولت روس منتهی ندارد که دوباره در ایران آتشش برپا شود بطوریکه دو سال قبل که طل السلطانی می‌خواست به نیابت سلطانی برسد اندک مساعدت نشان نداد دیگر مقتضی یا تعاضی عمیر نیست که بتوان محتمل این قبیل پادشاهان شد

تذکرات

( ۱۷ صفر - ۱۷ فروری )

عهدنامه تجارتي بين جمهوريتي فرانس و برتانيکس بپاریس بسته گردید

( ۱۸ صفر - ۱۸ فروری )

هیئت وزرای روس مقسم گردیده که لایحه بدوما پیش نموده اعتبار ۱۲ میلیون لیرا حاصل نمایند که از سال ۱۹۱۱ الی ۱۹۱۰ چهار فروند جہازات

جنگی زره پوش تعمیر شود

§ سلطان ( سنوی ) با سه فرزندانش از قشون فرانسه مقتول گردیدند، تلذات فرانسه فقط هشت نفر مقتول و هشت نفر مجروح بوده است ( ۱۹ صفر - ۱۹ فروری )

§ دولت چین جواب یاد داشت روس را فردا قریب باین مضمون خواهد داد،

اول - دولت چین دعوی آزادی اختصاصی تجارت روس را رد منکولیا تسلیم نتواند نمود

دوم - دولت چین تسلیم دارد که دولت روس را حین ضرورت حق برقراری قونسلات تجارتی در منکولیا هست ولی تا کنون هیچگونه ضرورتی دیده نمی‌شود، سوم - دولت چین نمیتواند تسلیم نماید که افسران چینی محافظت با قونسلات روس می‌نمایند.

چهارم - دولت چین تسلیم دارد که رعایای روسیه را در ( منکولیا ) حق خریداری اراضی هست فقط پای بندی بمواد عهدنامه سال ۱۸۸۱ را لازم می‌شمارد و معذور است بر اینکه چیزی بر آن بیفزاید،

پنجم - ترمیماتی که در تجارت و راه آهن روس از سال ۱۸۸۱ شده مواد عهدنامه مذکور را مشکوک ساخته لذا تبدیل در آن لازم است

ششم - دولت چین بر مسلک غیر دوسنانه روس اظهار تاسف می‌نماید که مسلک وی منافی است با اتحاد دیوبند دولتی

§ دولت روس ۴۰۰۰ نفر جینیان بیکار را از ( آمور ) تبعید نمود

( ۲۰ صفر - ۲۰ فروری )

§ عهدنامه موقتی تجارتي بين دولتي عثمانی و بلغار امضاء یافت جهت تعویق در آن هورت خساره کمتری واقع میگردد

§ بموجب خبریکه در اسلامبول اشاعت یافته در ( منکا ) جنگی بین قشون عثمانی و اعراب یانی واقع شده اعراب شکست یافته و ۳۰۰ نفرشان مقتول شدند

§ دولت عثمانی بر حسب تجویز دولت فرانس با بانک فرانسه تدارک ۵ میلیون لیرا قرض بسود صدی چهار سالانه نموده است تا کنون این مسئله تصفیہ نیافته، ضامن ادای این قرض عایدات گمرکات آسیای صغیر خواهد بود، این وجوه صرف تعمیر شوارع خواهدگردید و افسران فرانسوی به کنترل

این امر گرفته خواهند شد

§ زلزله شدید در ( مونتیر ) و سایر مقامات اروپا احساس شده از ایتالیا و اسپانیا نیز خبر زلزله رسیده است

§ باستانی در خصوص کف بد نمودن کبابی راه آهن بغداد از تعمیر راه آهن موصوف الی خلیج فارس با کامیابی بخاره می‌باشد ، دلی تلگراف می‌بوسد که سنیر انگلیس با بابالی بخاره کرده که راه آهن از بغداد تا خلیج فارس بطریق بین‌المللی تعمیر شود و درین ضمن تصیبه امر کویت را هم با رعایت از عثمانی خواهد شد

( ۲۱ صفر - ۲۱ فروری )

§ وزارت خارجه چین سنیر انگلیس مقیم (پکن) را آگاهی داده است که دولت روس اجوبه دولت چین را کانی داشته اظهار تشریح نموده است

§ بین دوایتین انگلیس و عثمانی در خصوص راه آهن بغداد تا خلیج امیدوارانه اخبارات جاری است

§ قشون عثمانی در مقامات ( زیدا - یاریم - وامیروانیس ) از اعراب بانی شکست خورده آنان را اجازه نهضت به ( صنما ) داده شده است و ( صنما ) نیز قریب المحاصره میباشد

§ افسران عثمانی از محاصره ( صنما ) پریشان و خوف شکست شان در ( منکا ) هم می‌رود ، هفت بتالین قشون جدید مجدداً از ( حدیده ) فرستاده شده است

§ کیسیون در اوائل اپریل برای تحقیقات طاعون در ( مکدن ) تشکیل خواهد یافت ، تا کنون ( ۱۹۰۰ ) نفر از مرض طاعون در مینچوریا ترک زندگانی گفته اند

( ۲۲ صفر - ۲۲ فروری )

§ کیسیون خارجه پارلمان امریکا عهدنامه تجارتی سال ۱۸۹۴ ژاپون را ترمیم نموده ، و هیچ‌گونه مانعی در هجرت اعلی ژاپون به امریکا قرار نداده اند ، خط ذمه داری را بدولت ژاپون واگذار نموده است یعنی ژاپونیان بدون اجازه دولت متبویه خود به امریکا هجرت نتوانند نمود

( ۲۳ صفر - ۲۳ فروری )

§ شاهزاده ولیعهد ژاپون را زحمت محنته شان

در عودت از مصر به ( ایتالی ) رهسپار خواهند گردید و به پادشاه و ملکه ( ایتالی ) تبریک و تهنیت خواهند نمود

§ سر ادوردگری در جواب ( متر دیودس ) اظهار داشت که تا کنون در خصوص راه آهن بغداد از بابالی بدولت انگلیس چیزی پیش نشده و آغاز این بخاره را آیا دولت عثمانی منفرداً یا توأم با آلمان به دولت انگلیس خواهند نمود معلوم نیست

§ مخبر روتر چنین معلوم نموده است که درین موضوع از آنچه در یازدهم صفر گذشت و شده بخاور نموده است ، و آن این است که باستانی اراده دارد در این موضوع مراجعه بدولت انگلیس بنماید

▶ تلگرافات روتر راجع ایران ▶

§ بموجب تلگراف پترسبرگ دو بتالین قشون عثمانی وارد در ( سدوز ) شده چهار صد لیرا امانه قوای بحری عثمانی از رعایای ایران وصول نموده و در آب نواح نیز همین عرض برآکنده شده اند

§ حضرت اشرف سهدار اعصم ریاست کابینه جدید ایران منتخب گردیدند

§ يك گونه سکوت حیرت آوری در حلقه رسمی از واقعه که در نواح اردبیل پیش آمده نمودار است ، چنانچه ظاهراً می‌شود که قشون ساخلوی روس دو نوبت بر شامسون ها حمله رده چهل مرآمان را مقتول ساخته و مقام ( ورامون ) را بامبارد کرده اند

§ دو دسته از رعایای روس دیشب دو یکی از کوچ‌های طهران بیکدیگر شلیک نموده دو نفر از یکدیگر بقتل رسیده اند و چنان تصور می‌شود که اقدام یکی ازین بارتیها مبنی بر قتل صنیع الدوله وزیر مالیه سابق بوده است

▶ حبل المتین ▶

حرکات غیر مرغوبانه قشون ورعایای روس در ایران دعای روسیه را بخونی تکذیب می‌باید و ظاهراً میدارد که قشون روس علاوه بر اینکه بطریق غیر مستقیم ضامن کلیه اغتشاشات ایران است بالاصلاح هم مصدر هر گونه نا امنی واقع میگردد ، و رعایای روس در هر شهر مووت قتل و غارت واقع شده سفارت و قونسل خانهای روس مأمن اشرار گردیده اند



عجیباً آیا هنوز هم روسیه میتواند دعوی نماید که قیام قشونش برای حفظ امنیت و مطالبای خارجه است؟ آیا جناب سرادوردگری باز هم برده بر اجحافات و وحشت کارهای قشون روس در ایران تواند انداخت؟ همان وقتیکه روسیان محمد علی میرزا را از ادیسه به اروپا گسیل داشتند و رحیم خارا با ذریابجان فرستادند کسیکه از نیات سیاسی روسیان آگهی داشتند بش آند تازه را منتظر بودند بعد نیست که همین وقعه اودیل را سرأ یا علناً رحیم خان سبب باشد.

عجب تر آن که تا مدتی سنیر روس از حرکت محمد علی ماروب و آمدن رحیم خان بایران اظهار بیاطلاعی می نمود و قول (ایران نو) «با داشتن زور صاف صاف چرا باید دووغ گنت» آیا میتوان گنت که روسیه از آمدن رحیم خان با ذریابجان بر اطلاع بوده است؟

روسیان بهمین تدابیر سعی اند که هم زهرچشم به ایرانیان نشان داده و هم باین بهانه ها بر عدم قشون خود بیفزایند و خصوع و خشوع و سرعوبیت ایرانیان همه روزه بر جبارت روسیان خواهد افزود و رفته رفته کار را بجای خواهد رسانید که حال نفس کشیدن رای ایرانیان در مقابل اجحافات خود نگذارد و بواسطه همین بی حسی هست که دولت آلمان، ایرانیان را مرده تصور کرده بر سر مرده ریگش با روسیه مشغول قرارداد است. عجب تر اینکه دارالشورا و جراند و مجامع ایران مانند جسم بی روح هیچگونه اظهار حسینی درین موضوع نموده اند و باندازه صد يك هیاهوئیکه عثمانی ها و فرانسویها بر خلاف قرار نامه که بر سر ایران میدهند هیجان کرده ایرانیان ابراز حسیات نکردند و قول یکی از وقتیان رموز سیاست «ایرانیها گویا قرار داد روس و آلمان را بر سر يك قطعه از قطعات افریقا میدانند که هیچ تعلق و رابطه مانها ندارد، این است که به دولت به ملت نه جراند نه مجامع به احزاب سیاسی نه وکلای دارالشورای ملی از این قرار نامه که موضوع بحث و بر سر آنها است کیک نگزیده است» ملتیکه باین بی حسی باشد پیش از اینها مورد اجحاف و زیادتی اجنبیان واقع خواهد کردید.

مسلم است که روابط عثمانی و منافع او از آلمان خیلی پیش از ایران است و فهم نزاکت شناسی آلمان هم یقیناً بر ما رجحان دارد، مع فالك بمجرد استماع این قرار نامه بهیجان آمده از بای نه نشست

تا وقتیکه از دولت آلمان تأمینات لازمه حاصل نمود یا لا محجب حس تقلیدی هم ایرانیان را وداع گفته است؟ همان بی حسی ماست در مقابل روسیان که سبب زیادتی های عثمانی هم در سرحدات میشود و این درجه بی حسی يك عاقبت وخیمی را برای آئینه ایران نهید میباید.

ایرانیان راست حکه در مقابل اجحافات حق شکنانه همسایگان از ابراز حسیات مذهبی باز نیامده اقلأ در مائیکوت امتعه شان اظهار حیاتی به نیابند. هرگاه ایرانیان فقط در همین يك ماده که خیلی سهل و آسان است بای افتزند در کمال سرعت بمقاصد خویش نائل شوند آمد

مسلم است که علاوه بر ابراز بی حسی ملت دولت هم در وظائف خود درین موضوع خیلی قاعد ورزیده، اگر در مدت دو ساله مشروطیت اردوهای ساختوی هر صوبه را از رویی صحت تشکیل داده بودند امروزه مبتلای باین زحمت و خسارات مالی و جانی نمی شدیم. آذربایجان نقطه ایست که همواره بین ده و پانزده هزار قشون بطریق سوار و ساخلو مهیا باید داشت، بد بختانه تاکنون از وجود هیچ قوه معتناتی در آن مرکز اهم سراع نداریم، و حال آنکه بطریق غیر صحیح پیش از مصارف يك چنین اردوش در این درره صرف قشون و اردو کئی های آذربایجان شده است، چه میتوان کرد که ما ایرانیان از دیرباز عادت نموده ایم که علاج هیچ واقعه را قبل از وقوع نه نایم، و پس از آیکه در بلیات واقع شدیم عوض يك تومان چند تومان خرج را هم متحمل می شویم، چنانچه در مسئله فارس همینکه مبتلا شدیم با آن سعی موقع با اقدامات عملی پرداختیم، گویا در آذربایجان موجودکی قشون خارجه کفایت نموده منتظر بودید يك فشار تازه از همسایگان وارد آید، این هم که وارد آمد، نمی دانیم حالا در صدد علاج خواهند برآمد یا خیر؟

( ۲۷ صفر - ۲۷ فروری )

۱۲ دیروز در مجلس شورای ملی وزیر خارجه نطقی بلیغ داده اسلوب بیانات خود را درباره روسیه خیلی دوستانه نمودار کرده است، این نکته ظاهری میدارد مسلك تازه را برای ایران در پلنیک خارجه

( جمل المتین )

این تلگراف کمال اهمیت را دارد و شرح آن را در آئینه خواهیم نگاشت همینقدر میگوئیم حکه نگارشات دو ساله ما را این تلگراف تصدیق نموده و سهوی سیاسی سرادوردگری را پیش از پیش ظاهر داشت

( جبل‌المتین کلکته )

( مدیکل کالج استریت نمبر ۴ )

HABIBUL MATIN OFFICE  
4, MEDICAL COLLEGE STREET  
CALCUTTA

( کلیه امور اداره با )

( مدیر کل مؤیدالاسلام است )

( هر دوشنبه طبع )

( سه شنبه توزیع میشود )

( یوم دوشنبه )

( ۴ ربیع الاول ۱۳۲۹ هجری )

( مصادف با )

( ۶ مارچ ۱۹۱۱ میلادی )

# المتین

( سنه ۱۳۱۱ )

( مراسلات خصوصی بدون امضای )

( معروف اداره درج نمیشود )

( قیمت اشتراك )

( سالانه — شش ماه )

( هند و برمه )

( ۱۲ روپيه — ۷ روپيه )

( ايران و افغانستان )

( ۴۰ قران — ۲۰ قران )

( عمانی و مصر )

( ۵ مجیدی — ۳ مجیدی )

( اروپا و چین )

( ۳۰ فرنك — ۱۶ فرنك )

( روس و تركستان )

( ۱۰ منات — ۶ منات )

## پیش آمدهای سیاسی

پس از استعفای مسیو اسوالسکی از وزارت خارجه روس سیاسيون پیش آمد يك انقلاب سیاسی عظیمی را در اروپا منتظر بودند . و همینکه مشارالیه بشاوت پاریس گسیل آمد دانایان ایقان نمودند که این طوفان انقلاب منتظره دامان فرانسه را هم خواهد گرفت و مسیو اسوالسکی برای تکاندن گرد کدورت خاطر فرانسه باین مأموریت منتخب آمده است . اگرچه برخی مسیو اسوالسکی را درین پیش آمد بطرف دانسته اند ولی رموز شناسان سیاست این نقشه را ریخته تدابیر مشارالیه میدانند و مسیو سازانوف وزیر خارجه کنونی روس را آله پیشرفت مقاصد مسیو اسوالسکی می بندارند

برده از روی این کار ملاقات امپراطورین روس و آلمان در ( پورتسم ) برداشت و صاف ظاهر گردید دولت روس که موقتاً در ائتلاف ثنائی انگلیس و فرانس شامل گردیده بود برای انجام يك مقصود عمده بود . و باتفاق دانایان سیاسيون روس درین موقع نازك بیک فتح عمده سیاسی نائل آمده انگلیس و فرانس را شکست فاحش بخشود

اگرچه رجال رسمی فرانس و انگلیس خیلی کوشش نمودند که شکست سیاسی خود شان را مستور دارند و با نزاکتکاری سیاسی بلکه بتوانند آب رفته را بجوی باز آورده برده بروی شکست خویش اندازند . ولی ( نهان کی طاهران وازی کز و او سازند محفل ها )

حاقبت از پیکراری دانایان فرانسه کابینه شکسته نورده مجبور استعفا شد . بلکه کابینه فیسالی که

شدیش با سیاست آلمان مسلم است بروی کار آمد و وحشت حلقه های سیاسی آلمان و آستریا از شمولیت مسیو دلنکاسی باین کابینه جدید بش آمد سیاسی دیگر را هم تهدید می باید

اگرچه اختلاف احزاب سیاسی انگلستان و مناقشات بین مجلسین موقع برخی تبدیلات رادر انگلستان نمی دهد . ولی بعید نیست که اگر سیاسيون انگلیس را زودی اطمینانی از اختلافات داخلی حاصل آید تبدیل کابینه انگلستان هم پیش آید چه درین شکست انگلیس و فرانسه شریکند . یکی از دانایان میگوید . مضار اتحاد روس با آلمان صدی هشتادش باید به فرانسه است چه بر حسب یکی از مواد اتحادیه روس و آلمان اتحاد سوق عسکری روس و فرانس را باطل می نماید . چه در آن ماده صریحاً بیان شده است که دولتین آلمان و روس بر خلاف منافع یکدیگر کک و تائید نخواهند نمود

ظاهر است که اساس اتحاد فرانس با روس از خوف تجاوزات آلمان بفرانسه بود . و بواسطه محافظه همین ماده بود که فرانسه يك حصه عمده ثروت خود را برای تشکیلات نظامی روس باسم قرض بروسیه داده است . و هرگاه این ماده معامده بین آلمان و روس امضاء یابد اتحاد فرانس و روس را یکدفعه بیکار خواهد ساخت و همین نکته علت العال هیجان دانایان فرانسه گردیده کابینه را مجبور باستعفا نمود .

بقول یکی از سیاسيون اگر آلمان موفق بقبولاندن این ماده بروس گردد در کلیه اروپا نفوذ سیاستش غلبه بین خواهد کرد . و فرانس و انگلیس را مجبور بانهاد خود خواهد ساخت . چه فرانسه

و انگلیس ولو هرگونه اتحاد ما یکدیگر نباید چون دارای قوه نظامی چنانچه شاید و باید بستند در هر مقاله سیاسی شکست این از آلمان خواهند دید، و این نکته در مذاکرات مراآت بخوبی ثابت گردید لذا چاره خود را منحصر بانحاد و دوستی آلمان خواهند دانست و چنین اتحاد اجباری جز خسارات سیاسی برای آلمان نتیجه دیگر نتواند بخشید  
( تدابیر سیاسیون اروپا و سنگ )  
( روی بچ نمودن آسیائیان )

یکی از تدابیر سیاسیون اروپا در مذاکرات سیاسی خودشان سنگ روی بچ نمودن آسیائیان برخلاف آن دیگر است ، مثلاً وقتی که سرادوردگری استقامت و واقع اتحاد روس و آلمان را نمود محض دست باجه نمودن ایرانیان و تهدید آنان که مبدا درین موقع انقلاب کثی سیاست اروپا ایرانیان متوسل به دلیل سیاست آلمان شوند آن یادداشت خشن را به دولت ایران پیش کرد، ولی بدبختانه نتیجه معکوس بخشیده موقع دست حریف داده در جمیع عوامل اسلامیات و تمدن برخلاف انگلیس تویید هیجان نموده یک گونه نفرت خاصی از انگلیس در قلوب اسلامیان خاصه ایرانیان جای داد، و ازین رو انگلیس را مجبور توضیحات رسمی نموده ولی هر قدر تا ناان انگلیس کوشش نمودند کاملاً نتوانستند اثرات آن یادداشت را از قلوب مسلمانان زایل دارند

این بود که انگلیس آنها در صدد تلافی برآمده در موقع اتحاد روس و آلمان هیجانی عظیم برخلاف آلمان در مسلمانان تولید نمودند و تمام این هیاهوها مبنی بر اشاعات ( ایونگ خمس ) شد که موادی در مساعده روس و آلمان ترتیب و اشاعت داد ، و حال آنکه بحسب تصدیقات رسمی تا امروز هیچ امری بین آلمان و روس تصفیه نیافته و مواد عهدنامه آلمان که درجه موضوع است ظاهر نگردیده ، ولی این هیاهوها سبب هیجان نمایان و ایرانیان شده آلمان را مجبور دادند توضیحات و بخشیدن اطمینان بدولتین ایران و عثمانی کرد و در حقیقت انگلیس از نیکو تلافی از آلمان گرفتند

( نتیجه ملاقات پورتسدم )  
( بر سیاست ایران )

ما اگر صرف نظر از اشاعات پلیدی هر یک از رقبای دول بر علیه آن دیگری نموده حقیقت امر را بنگریم خواهیم دید که ملاقات ( پورتسدم ) نه تنها ایرانیان را زبان رسان نبوده بلکه به جهات عدیده نافع واقع گردیده است .  
اول اینکه ما حتی استقلال ایران به اتفاق عمده سیاسیون، منصف دنیا اتحاد روس و انگلیس بود .

واقفان رموز سیاست میدانند که اگر این اتحاد بین روس و انگلیس قائم ملدی انگلیس برای منافع سیاسی خویش ادا از فدیة ایران در دوستی روسیه مضائقه نمیداشتند، چنانچه هر قدر اتحاد روس و انگلیس قوت گرفت تجاوز و دخالت روسیان برخلاف مواد عهدنامه دولتین افزونی یافت، تا جیکه از شامت اتحاد این دو رقیب ازین سر تا آن سر ایران اسکد کوب سم ستور روس گردید و برده بوشی رجال انگلیس از حرکات زیادت کارانه روس در ایران علنی بود و طاقت انگلیس را هم بهوس دخالتهای شمالی در جنوب انداخت، ملاقات پورتسدم آن اتحاد معنوی دو تین را که نزدیک بود ایران را قربانی نماید باقی نگذارد بلکه تا درجه، واد رقابت صدساله دولتین را پیش برد .  
دوم آنکه دولتین همسایه سعی گردیده بودند که قیومیت خودشان را در ایران مدال داشته و خویشتر را پروتکتورینگ یاور قائم داده محافظه خویش را بر آن مسلم دارند ، و این بود که از یک سال باینطرف جرائد دولتین این زحزمه را شروع کردند ، و همه چیز را منحصراً بخود داشتند، بسیار ساده تر ایران را از حاقه بین المللی خارج ، سیاست و تجارتش را بین خود محدود خاستند ، چنانچه مراسلاتیکه درین دو سه ساله از دولتین روس و انگلیس بایران رسیده این نکته را ثابت میدارد، ولی ملاقات پورتسدم این نقشه را مرتفع ، سیاست و تجارت ایران را بین المللی قرار داد نه تنها روسیه را مجبور به تسلیم ساخت بلکه هیت ملاقات پورتسدم فرانسه را هم محرک آمده صد از چهار سال اعلامات ایران و دخالتهای استقلال و بران کن دو دولت متعاهد او که ساکت و صامت بود بصدا آورد، استقلال و آزادی ایران را در پارلمان رسماً دعوی میباید و ( سرادوردگری ) را هم به انحصاری خود میکشاند ، از آنطرف آلمان را هم محض عدم رسیدگی قلوب ایرانیان مجبور می سازد به اطمینان بخشیدن بایران و وزیر خارجه آستریا را بذکر آزادی و استقلال ایران وادار میکند

سوم نه تنها رقابت روس و انگلیس را ملاقات پورتسدم تجدید نمود بلکه رقابت دول را در ایران بصورت گروپ در آورد ، و اگر ایرانیان بخود آیند بزودی میتوانند خویشتر را از موضوع رقابت خارج ساخته بیای خویش ایستند ، ازین بیانات می توان استنباط نمود که ملاقات پورتسدم بحال ایران نافع بوده است نه مضر ، اگر باریک شویم خواهیم دید که مستعد شدن روس در اخراج قشون خود بعد از بروز حسابات ایرانیان در پایکانه امتعه روس نیز یکی از اثرات ملاقات پورتسدم است .

تکلیف ایرانیان

حالا که اوضاع سیاست امروزه معلوم گردید، تکلیف ایرانیان چیست؟ ایرانیان نباید به بی مسئولیت و به بی خواموش شوند، ایرانیان باید در حسن استقبال خود یک مسلك مستقیمی اتخاذ نمایند، امروز وقت يك طرفی شدن ایران نیست، ایران باید با گروپ رقبای سیاسی قسی راه رود که توازن و تعادل مرفع نگردد، ایرانیان نباید خوبستن را در نیجه یکی از گروپ رقبای اندازد، هرگز تصور نباید کرد که سیاست آلمان برای ایران نافع تر از روس و انگلیس باشد فقط چیزی که برای ایران نافع بود هما شمولیت آلمان در سیاسیات ایران و ابطال دعوی پروتکتکتک پاور دوتین بود، پروگرام تعلیم اروپائیان در اینتیک یکسان و همه طالب نفع خوداند، ایرانیان راست که با منتهای هوشیاری منافع خویش جویند، و با کمال دقت بنگرند که منافع آنها در کجا و از چه راه و در سازش با کدام دولت است، و این نکته را هم نباید از مد نظر دور دارند که در موقع سازششان مضار دشمنی يك از گروپ افلا کتر از منافع دوستی گروپ دیگر نباشد ایرانیان نباید رشته حیات مملکت خود یعنی راه آهن را بدوستی یکی از این دو گروپ برایگان از دست بدهند، ایرانیان نباید به وعید عرقوب روس قناعت نموده از اراز حسابات ملی باز آیند، و تا بکنذر قشون اجنبی در حاک آنها باقی باشد از پای نه نشینند و حسابات دوستانه نسبت به متجاوزین ظالم ندارند، نیکو ترین موقع برای اخراج قشون بیگانه امروز است

ایرانیان بدانند که روس و انگلیس و آلمان و عثمانی و فرانس و آستریا بر حسب مقتضای سیاست کنونی محتاج ترند بدوستی آنها تا ایرانیان به آمان، موقع شناسی سیاسی بسی دشوار است، رجال ما سهو نفرماید که نزاکت شناسی غیر از مرعوبیت است و هیچ ملت و دولتی مرعوبیت حافظ استقلال خویش و جاذب دوستی سیاسی همسایگان خود نگردیده است، مرعوبیت های دیرین آنچه بایران نموده لازم به بیان نیست پس رجال ما راست که نه ترك نزاکت گویند و نه اصول مرعوبیت را شعار کنند و موقع خود را بشناسند که کتر موقعی برای ایران بر حسب سیاست مانند امروز پیش تواند آمد، و این نکته را هم بدانند که سیاست امروزه انگلیس غیر از دیروزی است و انگلیسان امروزه خیلی محتاج بدوستی ایران و طالب آیند، و موقع ایستکه اگر کله های با سیاست در ایران یافت شود منافع عظیمه حاصل

نموده کشتی استقلال وطن را بساحل نجات برسانند و امیدواریم که رجال ایران غرض ما را از لفظ منافع فهمیده عبارت از يك نشان و حفظ مقام شخصی تصور نفرمایند

تذکرات راجع بایران

( ۲۸ صفر - ۲۸ فروری )

§ روزنامه (طمس) امروز صبح در مقاله اساسی خود شرح مبسوطی تمجید از والاحضرت ناصرالملک نایب السلطنه ایران نموده ایرانیان را نصیحت میکند که بر حسب فرمایشات و دستورالعمل های مفیده ایشان رفتار نمایند چه نایب السلطنه بخوبی دانسته اند که ترقیبات ایران منحصر به ترقیبات مالیه و اصلاحات اداری و ضروریه مملکت است و بخوبی آگاهند که آزادی ایران در سایه عهدنامه دولتی روس و انگلیس بیکو قائم تواند ماند

( ۲۹ صفر - اول مارچ )

§ وزیر مختار انگلیس مقیم طهران عطف توجه وزارت خارجه ایران را بجانب سرقی که بین راه اصفهان و بوشهر شده معطوف داشته است

( ۳۰ صفر - ۲ مارچ )

§ بموجب اطلاعی که مخبر (روتز) یافته که بین دولت عثمانی و کپانی راه آهن بغداد آلمانی مخبرات خیلی پیشرفت نموده و چنان تصور می شود که در چند بوم خانه بپذیرد از آن بعد بین عثمانی و دولت انگلیس آن حصه راه آهنی که از بغداد تا منتهی شود به خلیج فارس بخاره شروع خواهد گردید، وزیر مالی عثمانی اعلام نمود که کپانی آلمانی راه آهن را تا بغداد تمتد خواهد ساخت

( اول ع ۱ - ۳ مارچ )

§ مخبر (روتز) خبر میدهد که اموال (مستر کی و مستر هیوک) حین مسافرت در شمالی اصفهان بغارت رفته است

( ۲ ع ۱ - ۴ مارچ )

§ اخبار (ناروسچی زینانک) برلن مینویسد که مخبرات بین عثمانی و کپانی راه آهن بغداد خانه بپذیرفت و ازین رو بید مذاکرات بین عثمانی و انگلیس در خصوص راه آهن ماورای بغداد الی سواحل خلیج فارس باقی است و این مسئله فقط بین عثمانی و انگلیس مباحثه خواهد شد در سرحدات مخصوصه عثمانی و در این مخبرات نیز ترضیه کپانی آلمانی لازم شمرده شده است، ازین رو چنان تصور می شود که هیچگونه مشکلاتی نه برای عثمانی نه برای کپانی پیش تواند آمد که ما نالی طرف مذاکره واقع گردید، بر فرضیکه آن نالی (دولت انگلیس) باشد و برخی خواہشات نماید فیصله آن منوط بر رضامندی عثمانی و کپانی آلمانی است

خواهد بود و اخبار مذکور چنین تصور نموده است که درین گونه خواهشات بارتی سوم یعنی انگلیس بنظر دوستانه دیده خواهد شد

در دارالشورای ملی عثمانی رئیس الوزراء اشاره نموده که نظر به اعتماد و اطمینانیکه وکلاء به کابینه دارند ممکن است تصدیه راه آهن ماورای بغداد عنقریب بشود

رئیس الوزراء در مجلس مبعوثان در خصوص ضمانت عایدات راه آهن و هر کلومتری ضمن مدافعه بیان کرد که دولت از اراده تکمیل راه آهن بغداد باز نتواند آمد. پس از آنکه راه آهن تا ( الحلیف ) رسید ششصد کلومتر باقی میماند که سالانه مصارف آن (۳۰۰۰۰۰) پوند تخمین شده که در مقابل مافع عمده آن خیلی ناچیز و ناقابل است. مخیر روتر از طهران خبر میدهد که ناصرالملک نائب السلطنه در مجلس ملی رسماً قسم خورد و اعتبارات نائب السلطنه کی را به آتم گرفتند و ضمن نطق خود اظهار فرمود که مقام نائب السلطنه فوق تمام بارتیها و احزاب سیاسی و رکن ساکن مملکت است. و بطرف داری هیچ بارتی شناخته نتواند آمد و هیچگاه ازین تکلیف عمده بیطرفی کنار نتواند گرفت و از وکلای مجلس استدعا مینماید که برای بهبودی و نجات ایران اتحاد و اتفاق نمایند و هرگاه بوسایلی ایشان عمل نشود مسلماً در برپایی ایران مانند یک تماشائی نتوانند ماند، و امید ظاهر نموده اند که بین چند روز کابینه جدید به مجلس معرفی خواهد شد

نگریم مؤسس این اساس سعادت آن مرحوم را باید گفت، و از برکت این اقدام چه قدر جوانان تعلیم یافته با درایت قابل خدمت از این کارخانه آدم سازی بیرون آمده و نیکو ترین یادگار آن مرحوم اند، و نیز در تأسیس مریض خانه و تعمیر یک حسینیه ایرانی در آن پای نخت اسلامی زحمات فراوان برد

مرحوم موسوف مخلق باخلاق فاضله ایرانی، و اسلام خواهی و حب وطنی جلیلی او بود و یکی از ارباب علم فارسی بشمار میرفت، بیست سال کامل است که با نگارنده طرف مراسله و تأییدات نمایان به این اداره ملی فرموده و زحمات بسیار واسطه طرفیت با ما از سفرهای بسیار ایران و رؤسای مستبدین اسلامبول دید، و مکرر از طرف سنارت و سایر ادارات استبدادیه جدیدیه بجرم آزادی و مشروطیت خواهی محل اعتراض و نوشته حاشان موقع تفتیش یافت. نحریرات آن مرحوم در حراند فارسی خاصه در جبل المتین بی اندازه بود داستان روسیا بزبان فارسی باب اثر خانه ایشان است حقوق برالملک و جغرافیای ایران که هر دو ما تمام مادی نتیجه زحمات آن مرحوم بود، در مشروطیت صغیر و استبداد اصغر خدما نشایان فرمود، در انجمن سعادت اسلامبول و کمیته سعادت خیلی حصه دار بود علاوه بر این خدمات آن مرحوم در این سالهای اخیر از نحریرات لازمه بمقامات منیمه خاصه مقام منیع ریاست روحان اسلام بسیار بود و چون محل اعتماد و امان بودی خدماتشان خیلی موثر میباشد. و میتوان آت آن مرحوم را عاشق وطن و مجذوب حریت و آزادی مشروع گفت، و در سلسله بحار محترم کتر کسیکه مانند آن مرحوم بوطن اسلامی و حریت مشروع ابناء وطن خدمت نموده باشد سراغ داریم، اداره جبل المتین خدمات دیقیمت آن مرحوم را کتر از یک مجاهد صمیمی نمیداند آخرین خط آن مرحوم هشتم صبر با مقاله که ذیلاً مینگاریم با اداره رسانید و در تاریخ بیست و هشتم تلگرافان ماهضاه (مرتضی) برادر و مدیر کنونی تجارتخانه امیرالتجار از اسلامبول رسید که ما را در رحلت آن مرحوم تسلیت داده بودند و ما بجمیع حریت خواهان و وطن پرستان ایرانی از فقدان چنین وجود ما نمودی تسلیت می گوئیم و خویشین را بمطالعه نگارشات آن مرحوم تسکین بدهیم و هیچ وقت این گونه وجودهای نوع خواه را مرده تصور نه نموده هماره زنده جاوید شان می بنداریم

انا لله و انا الیه راجعون

یک از فاقدات بزرگ وطن خواهان رحلت غرانت مآب حاجی رضا قلی آقا تاجر خراسانی مقیم اسلامبول است که خدماتش در طریق معارف خواهی و اسلام برسی و زحماتش در راه وطن و مشروطیت اسلامی بیش از آنست که بتصریح و بیان آید مرحوم حاجی رضا قلی آقا بانغ برهتاد مراحل زندگانی را در منتهای نیک نامی و خدمات بوطن اسلامی طی و چهل سال است که اسلامبول هجرت نموده بود بطر راینگه شالوده تعلیمات ابتدائی خود را بر اساس صحیح نهاده بودی همینکه چندی اوضاع اسلامبول بر معلوماتش افزودی دامن همت برکر زده مدرسه ایرانیان اسلامبول را قائم و اگر بدقت

اسلامبول

(آخرين لایحه غفران پناه حاجی رضا قلی آقا)  
(تاجر خراسانی مورخه ۸ صفر سنه ۱۳۲۹)

بر دلم صد هزار بیشتر است  
بلکه از صد هزار بیشتر است

تمام اهل عالم از دوست و دشمن و موافق و منافق با آواز رسا فریاد مینمایند که نجات مسلمانان بسته با اتحاد و اتفاق است و با هر یک از اعضاء با دانش دوراندیش جمعیت فرقه اتحاد و ترقیب که جهت حفظ اسلامیت سخن بمیان آمده نخست اتحاد این دو دولت بزرگ اسلامی را وسیله بقای اسلام دانسته اند. زیرا بدون اتفاق این دو دولت و ملت اتحاد اسلام از دایره امکان خارج است (قوی است که جمله کی بر آند)

ولی من بنده عیدام آیا باید مسلمانان نوسل بوسایل اتحاد بجویند و یا همان قول مجرد کافی است و صورت خارجی لازم ندارد و آیا و سایل اتحاد کدام و چگونه باید بدست آورد؟

طامراً معنی اسلام اگر رعایت شود که عبارت است از سلامت ماندن مسلمانان از شر آنکس که مدعی اسلامیت است جهت اتحاد کافی باشد و ایهم مسلم است که بیوسه اهل عالم کافر که از معنی اسلام بی بهره اند فرصت عنیت شمرده بر افتاده میبازند و ادبیت او میبردازند و از قوی بجه در مرانند

پس بنا باحکام قرآن امروز که ایرایان مبتلای مراران گونه مصیبت اند از نفاق داخلی که دست خارجی در میان آن احداث نموده و میباید و فشار دو همسایه قوی بجه جهت تدبیر ترقی ایران و ایرایان و از دیاد مرعوبیت آنان و بیشتر یافتن نفوذ که خودشان که مقدمه هو اسلام است آیا تکلیف عنایان که خود را عالم و دانا و واقف بر موافق و متضیات وقت و قوی بجه می شمارند چیست؟

آیا بحکم عقل نباید این معنی را پیش نظر اعتبار بیاورند که پابندگی آنان به قوی بجهکی شایسته نیست بلکه منوط و مربوط به پابندگی ایرانست و پیشانیان آنچه کرده اند خطا بوده و پس از هوایران عنایان سهل است بر اسلام سلام

همه اهل عالم آقرار دارند بر آنکه ایران دولتی است شش هزار ساله و نخستین ملت است که سر مشق مدنیت به عالم داده و بعد از قوم عرب در اسلام هم بر همه سبقت دارد و در اهلی کلمه اسلام پیش از همه کوشیده علمای فرقهین اسلام ایرانی و بلکه لسان عرب را ایرانی در تحت انتظام در آورده و همواره شرف ملیت خود را حفظ و وطن خویش را کرامی داشته و هر قوم مستولی را در خود مستهک ساخته و تاریخ گواهیست که روزی بدتر از اواخر سلطنت صفوی از برای ایران کمتر دیده شده بود که افغان سلطنت را تصاحب و محمود سیستانی خراسان را تملک و روس سواحل دریای مازنداران را استیلا و عثمانی استفاده از فرصت را کار بسته تا طهرات ورود نماید و شاه تهماسب غیر از استراباد جانی را مالک نبود آیا چه شد و آخر کار بکجا انجامید؟

با آنکه امروز شایسته شان عنایان که خود را واقف بمواقف عصر میدانند نیست که در هنگام گرفتاری ایرایان استفاده از فرصت را کار بسته هر روز از یک گوشه حدود تجاوز آغاز و اکراد و عشایر ایران را بشورش بر انگیزند سهل است در خاک ایران از تاخت و تاراج و قتل نفوس و هتک ناموس فرو گذار نمانند

همه آنها را میتوان سهل انگاشت و چشم پوشید و حمل بر زشت کاریهای مردمان بخیل از وضع سیاست نمود. ولی هیچ ایرانی نمیتواند این معنی را بر خود هموار نماید و اصناف هیچ مسلم روا نمیدهد در صورتیکه امروز قرض کافه مسلمانان بپروژه عنایانست که قولاً و فعلاً عظمت ایران را خاطر نشان عالمیان نمایند. اولیای امور آنان دولت ایران را در جرگ بلغار و صرب و یونان قره داغ بشمار آورده و اعلان نمایند که تابع ایندول بیک نظر خواهیم دید و علاوه بر آن کردار پرا که در باره تبعه صرب و بلغار و یونان قادر باجرا نیستند درمارة ایرایان باقوه مسلحه اجرا نمایند بجای آنکه رعایت حقوق اسلامی را منظور دارند

در نفس اسلامبول در پیش نظر جمیع ملل عالم بخلاف عهد و میثاقی که در میانست بگرفتن

تمتع که از هیچ تبعه قدرت گرفتن ندارند باکمال شدت اقدام نماید و بحجرات نجار معتبر ایرانی باقوای مسلحه داخل و بدخلوا از اموال و اشیاء حجرات آنان بقدری صکه الصافنسان اقتضا نماید و برود و انحنی را استناد از فرصت بشمار آرند و حال آنکه ضربه ایست بهلم اسلامیت و از سؤ نتیجه او که منافرت است نمی آید

بل ناوقتیکه ناظر خارجیه ایندولت رفت یاشاست که او را خادم و صروج افکار دولت روس باید شمرده ناظر خارجیه دولت اسلام، زیرا زوجه اش روسی و مسلطه و از طرف دولت متبوعه خود دارای مأموریت مخصوص است که همه میدانند غیر از این پیش نخواهد آمد

عجب اینست که مانند ناظم پاشا والی ما درایت و کفایتی که بر همه نکات واقف است در عراق حرب معامله پیش گرفته است که مغایر منافع اسلامی است سهل است در آتی ضررش بدوات عثمانی پیش از آنست که بتصور آید، بساکنین و بناهندگان آن آستانه های متبرکه بحملات فوق تحمل پرداخته علاوه بر آن جواز داده که مأمورین محیه بکار هائیکه منافی شرع شریف احمدی میباشد از قبیل تشریح اموات و غیره ابتداء نمایند

آیا وزرا و کار آگاهان سوء نتیجه این پلٹیک را که درباره ابرایان بشهادت نموده اند نمی سنجدند؟ آیا رواست حکومت عثمانی در مقابل ایران و ابرایان باظهار خشونت برخیزند در حالیکه ایرانی درممالک عثمانی باید از کافه امتیازاتیکه تبعه دول معظمه دارا میباشد بهره مند باشند؟ چگونه رواست در خصوص تمتع اینگونه بر ایرانیان تنازید، و حال آنکه بانبعه دول ضعیفه که دبروز از تحت تابیت او خارج شده اند این معامله را کردن نمیتواند، عمده مکلفه که منحصرست به تبعه خود عثمانی از ابرایان مطالبه نمودن و از جوانان ایرانی طلب عسکر نمودن از محل دفن اموات ایرانی رسوم ارضیه طلب نمودن و محض استناد اجزا خانه ها و اطباء را منحصر به اجزا خانه و اطباء بلدیہ کردن و اطباء ایرانی را از طبابت ممنوع داشتن و غیره و غیره صکه همه مخالف و منافی اخوت و اسلامیت است

حال که سیاست عثمانی اینگونه اقتضا میباشد و

حرف حساب را بهفاد الحکم لمن غلب استماع نمی نمایند و مارا هم وقت جون و چرا نیست خاصه که برخی روزنامهجات هم ضغف مارا در مقاله سیاسی خود اعلان میفرمایند و وزرای ایران را مخاطب داشته و میگویند ( دست بچاره جون بجان نرسد )

( چاره جز پیرهن دریدن نیست )

از اهل و بی اعتنائی دست برداشته علی السجاله حقوق ماهداتی خود را مسکوت عنه گذارده بکاروی دست زنند که فسه کوتاه و فسه سر آید، بنی محکم شرع و عقل امروز بر خود واجب بدانند که بکلی زوار را از رفتن بعتبات مالیات ممنوع دارند زیرا حقوق شصت کرور ایرانی با رفتن زوار بعتبات ضایع میشود، اگر ابرایان براسق شیعه میباشد زیارت عتبات مالیات را امروز زیارت حضرت رضا (ع) مبدل نمایند که فرموده اند ( لا یزوره الی الخواص من الشیعه )

و تمام مکاریها را هم از رفتن به بغداد منع و بطرف شوشتر روانه نمایند جهت حل مال التجاره و فوری در امنیت راه شوشتر تا عراق واردلان که از نقطه نظر سیاست امری است واجب ولو با مصرف زیاد باشد جهد کافی بعمل آورده و حل و نقل مال التجاره اردلان و عراق را از بغداد تحویل بشوشتر نمایند تا سالی ملیانها ثروت ایران در خود ایران مانده و تا این درجه ملت ایران خوار و ذلیل نشود

روح مقدس امیر مؤمنان صلوات الله و سلامه علیه سوگند و روح تمام ائمه هدی قسم و بوجود مقدس حضرت حجت عین که حضرات ائمه بمراتب خوشنود تر خواهند گردید از آنکه شیعیان شان به این دلتان در ندهند، آیا میدانید سالی چقدر از نفوس محترمه زوار در عراق عرب دستخوش اعراب گردیده و شهید میشوند و چه قدر اموال آنان تلب میشود و چه دلت و خواویها از طمورین عثمانی میکنند؟

شیعیان عموم و ملت ایران خصوصاً باید بدانند آن روزی که دست میبریند و زوار از زیارت یا نمی کشید تا امروز فرق کلی دارد، امروز رفتن بقصد آنکه این ذلت و خواری از زوار ابرایان دفع شود نوابش بمراتب از رفتن آت روزی\*

بیشترست . زیرا آروز وقتن سبب هدایت بود و امروز وقتن ما به ذلت و خواری

از فراریکه اطلاع حاصل نمودیم در طهران نهار ایرانی از مسلم و زردشتی و عیسوی و یهودی یعنی فرزندان غیور ایران عموماً انجمنی ترتیب داده جهت شرکتی که يك ملیون اسهام بجهت تومانی بموقع تداول در آورده و باهالی توزیع نمایند سکه خریدار در مقابل هر سهم تقدماً پنج تومان داده و بعد از آن مایه يك تومان که تا چهل و پنججاه وجهش پرداخته آید و آغاز بساختن راههای آهن ایران نمایند ، معلوم است که نخست از شوشن آغاز رشته بسمت اصفهان و شیراز و یزد و کرمان و رشته بسمت عراق و طهران و اردلان و آذربایجان و خراسان خواهند کشید

معلوم است در اول تشکیل يك بانکی را لازم دارند و با اعتقاد نگارنده باید این بانک هم از طرف اهل وطن تشکیل یابد باجمعی که از مسلمانان و زرتشتیان و ارمنیان و یهودیان ایرانی با علم که از اصول تشکیل بانک آگاه و در سایر جایها بهمین قییل کارها مشغولند از خارج جلب و بالاتفاق يك بانک ملی معتبری تشکیل دهند اسم شوقی است زیرا چنانکه در نامه مقدس مکرر نگاهوش یافته امتیاز جاروب کنی کوچ، عالی ایران را با جانب دادن ریخته خود را بآب رساندست ، اگر چنین بانک ملی تشکیل یابد اصلاح سکه هم بتوسط همان بانک آسانست که اگر زنده مانده و تشکیل چنین بانکی را دیدیم در خصوص اصلاح سکه آنچه بفکر نمانص ما میرسد بعرض زمام داران امور خواهیم رساند ( دعوت نامه حضرت سردار ملی )

سلاهی عام تمام حجج اسلام و وزراء عظام و سرداران نظام و عموم طبقات ملت دامت تأییداتم

البته عموم ایرانیان از ابتلاء چند ماهه اینخدمت ملت و افتادیم در بستر ناخوشی بانهایت زحمت مستحضر بوده و میدانند که این جان نثار حوزه ابرائیت تاجه اندازه دوجار صدقات مافوق طاقت شده ام، ولی ابرعالیی مقام محاذیر خارجی امروزه افق مملکت ما را چنان تاریک نموده و آثار اجهلا را معلوم ساخته که تمام زحمت را بکلی فراموش

نموده عوض اینکه از درد بنام بحالت فلاکت مملکت خون میگیریم، و مناسفم از اینکه تمام زحمت خادمان ملت دو راه استخلاص وطن عزیز از قید اسارت بهدر رفته دست نحصر همدیگر بایم، جبارت احاب را بمداخلات امور مدگی جلب نمیکند مگر نفاق و شقاق داخلی ما که بجان همدیگر افتاده مشغول یارتی بازیی ( و انتریک ) سازی شده ایم، اگر نسبت سلطنت میخواهیم باید استقلال داشته باشیم، اگر وزرات میخواهیم باید استقلال داشته باشیم، اگر مایل وکالت هستیم باید استقلال داشته باشیم، اگر خدا میخواسته بیجا کری هم میخواهیم باید استقلال داشته باشیم

رادیکال، لیبرال، ناسیونالیست، سوسیالیست، دموکرات، سکولر داتر، انقلابی، اعتدالی، حق ارتجاعی، اینها تماماً فرع استقلال قومیت است. امروز صحیح ترین مسالك استقلال جوش است، اگر جانی مرا امروز بمن معرفی کنند من با او دست اتحاد بام داده ، تمام حادثات ماضی خط نسیان کشیده و برایی استخلاص مملکت از او استمداد میکنم

با این تب و تاب بانهایت شدت التهاب در بستر بیماریی با ناله و زاریی عرض میکنم ، ای رؤسای ملت ! و ای وجود و اکابر مملکت ! کوش فرادارید اسرافیل وقت صور انقراض و اضمحلال ما را نمید، سیل فتن از هر دو جهت رسید نزدیک است مانند دانه گندم در میانه این دو سنک بزرگ آسیا خورد شده در اندک زمانی نابود شویم صبح است بین مؤذن آواز کشید آوازش را ز دور هر کوش شنید یعنی سکه رسید از دو سوسیل فتن ای بختبراش ز خواب غفلت بجهید

خادم ملت ستار

قل از روزنامه شریفه بوهار ( منطبه مشهد )

( بزرگترین شرفها مدافعه از وطن است )

( گرزوس ) پادشاه ( لیدی سلن ) حکیم از یونانی میپرسد ، که بزرگترین دریاچه کان شرف و خوشبخت ترین شرفا کیست ؟  
آنوقت منتظر می شود که حکیم بگوید ( فان



پادشاه لیدی اعلیحضرت گرزوس ( داوایی این مسعودیت و شرافت و نیکبختی است ،

ولی حکم دانشمند چیز دیگر میگوید ، میگوید با شرفترین مردم و مسعود ترین خلق ( تلوس ) دمقان یونانی بود که سالهایی دراز بوطن دوستی زیست و در خانه زندگانی جان گرامی را در راه مدافعه از وطن مقدس خودش تسلیم نموده و در مقابل معشوق خودش که یونان بود مردانه جان داد و امالی یونان بر سر قبرش بنسائی و یادگاری که افتخار ابدی را شایسته میگرد ساختند .

( بریکس ) امیر دانشمند یونان در یکی از خطابهایی خودش مردم میگوید . دوست بدارید این وطن مقدس را که بی ملاحظه امتیازات تمول و شرافات تولد با شما کار میکند و مشاعل و مراتب عالیه را می بخشد مگر از روی قابلیت واستعداد ، و به افراد شما آرادای را مطلق و متسای بذل می نماید و در عوض از شما طلب نمیکنند مگر محترم داشتن قانون و گرامی داشتن علمای قانون را که مزجین و منسیرین قانونند ، هانا برای این وطن مقدس افتخار است که مردان رشید و جنگجویان نامدار ما تن هلاکت دادهاند و درازای این شرف نپیل است که مستوجب مدایح و مناقب فنا ناپذیر شده اند و مقبره و مدفن شریف و جلیل یافتهاند و آن نه این مدفن و منجم است که اکنون در آن خانه اند ، مضامع ایشان قلوب مردم و خاطر آزادگان است ، زیرا که مدفن نیکردان و بزرگان در هامن رورگار است نه در زیر آبنه و ستونهای عجز و مطرز که بکفتاب و نقوش عالیه آراسته باشند . . . .

( قاریبالدی ) تهمین ایتالیا پس از آنکه مخاطره وطن خودش را حس میکند ( بمرگ یا ایتالیا ) واقفش وایات ملی کرده و این کلام را تا آخرین قدم خود که اواین روز استقلال ایتالیا بود زبان جاری میدارد .

( زتیزکا ) نجات دهنده قطعه ( بوهیا ) پس از آنکه در راه وطن و هموطنان و نخب خود جنگها میکند و اصول ( دموکراسی ) را در داریه حکومت ( بوم ) استوار مییابد در مسامهای آخرین چشمش بواسطه گلوله نوی که درخت میخورد و شاخه

درخت را بچشم او فرو میسکند کور شده چشم دیگرش هم در یکی از زدوخلورد های اول زندگانش کور شده بود ، باز این مرد غبور با دو چشم کور دست از فداکاری در راه وطنش برنداشته میدان میورد و دشمنانش ( بوهیا ) را از داخله خاک خودش بیرون میکند !

زنهای یونانی بسرهای خودشان را برای دفع خطرات وطن بجنک نهریص میکردند ، یک پسر آمد پیش مادرش که وداع کرده با اردویی ملی بجنک بروه ، شمشیرش کوتاه بود مادر میگوید این شمشیر من سخت کوتاه است مادرش میگوید پسر جان اگر شمشیر تو کوتاه است بکندم جلوتر برو و جنک کن ! مادر دیگر پسرش را برای رفتن بهدافعه وطن آراسته میکند و پیر او را بدستش داده میگوید پسر جان یا غالب از جنک بر گرد یا مغلوب یعنی یا بکش یا کشته شو ! ! !

نظیر اینها که گفتیم بسیار است ، وقتی که از دور بین دقت در شرح فوق که نمونه تراوشات آدمهای حقیقی دیاست نگه کنیم خواهیم دید که اینها فقط برای مدافعه وطن خود این قدر کوشش میکردند ، مثلاً فرانسویها نه از تملکت خودشان دفاع میکردند و آنقدر در حصول استقلال خویشین مساعی فداکارانه مبذول مینمودند آیا نه همان بیم قوت حکومت فرانسوی بود ؟ آری آنها فقط از وطن خود بیم داشتند دیگر قوت ادبیات و اخلاق و مذهب در میان نبود ، ولی حال کنونی ایران چند مدافعه سخت را بر ما واجب میدارد .

( ۱ ) . مدافعه مذهبی - زیرا هجوم اروپائیان در اواین مظانریت خود سبیلیایی سنگین بر آئین بزرگ ما اسلام خواهند زد و بکلی اساس ( دین محمدی ) که امروزه رسمیت ما را با یک نام مشتمع در سربازار دنیا اعلان میدهد باحال پوش عیسویان شده نام و نشان از این دین جلیل که با افتخارات بزرگ تاریخی و ششمائیت اخلاقی برای ما بر جا مانده نخواهد ماند !

( ۲ ) . مدافعه ادبی - برای اینکه نماینده تاریخ و افتخارات و اخلاق یک قوم هانا ادبیات آنقوم است ، وقتی که ما زبان خود را تصدق اسارت عیسویان کرده و آثار تاریخیه و اخلاقیه خود را